اصفهان زیبا

اصفهان من، شهر زندگی

سال بیست‌ودوم | شماره ۵۴۱۰ | دوشنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۵ | ۲۸ محرم ۱۴۴۸ | 13 JUL 2026 | ۸ صفحه | ۲۰۰۰۰ تومان | esfahanzibaonline.ir

قدرت بازدارندگی امروز ایران حاصل ایمان و مجاهدت ۴۷ ساله رهبر شهید است

اینکه در عراق، کشوری که دشمنان سال‌ها برای ایجاد نفاق در آن تلاش کردند، بیش از ۱۰ میلیون نفر برای تشییع رهبر انقلاب شرکت کردند گواه این است که وقتی کسی ایمان به خدا داشته باشد و عمل صالح انجام دهد، خداوند محبت او را در دل بندگانش قرار می‌دهد و این عشق مردم به رهبرشان، یک پدیده الهی است؛ نه ساخته و پرداخته دستگاه‌های تبلیغاتی

آیت‌الله سید یوسف طباطبایی‌نژاد، نماینده ولی‌فقیه در استان و امام جمعه اصفهان

حضور تاریخی مردم در تشییع رهبر شهید انقلاب نشان‌دهنده شکست قطعی توطئه‌های دشمنان است

محمد نورصالحی، رئیس شورای اسلامی شهر اصفهان

شهر و شورا ۰۳

از مشاور املاک متخلف شکایت کنید

بر اساس مصوبه سران قوا، متخلف افزایش اجاره بها بیش از میزان مصوب تا ۱۰ برابر میزان گران‌فروشی جریمه می‌شود و امکان پلمب دفتر مشاور املاک وجود دارد

اقتصاد ۰۶

ثار و انتظار؛ هویت جمعی شیعه

بررسی مفهوم ثار، انتقام و خون‌خواهی در گفتمان تشیع

مهم‌ترین تفسیر ثارالله این بوده که خداوند «خون‌خواه» و «ولی دم» امام حسین (ع) است. خون‌خواهی امام به معنای زنده‌شدن تمامی ارزش‌های الهی است که سید الشهدا جان خود را برای احیای آن فدا کرد. خون‌خواهی حسین (ع) که همان زنده کردن آرمان‌های حسینی است، با برپایی عدالت در سراسر عالم محقق خواهد شد

امیر احمدنژاد، عضو هیئت‌علمی دانشکده علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان

اندیشه ۰۴

تشییع روی شانه‌های تصویر

پنج روایت از پنج عکس در روزهای تشییع آقای شهید

آنچه برای من اهمیت داشت، ثبت سکوت بود، سکوتی که میان ازدحام گم شده بود. این قاب، بیش از آنکه تصویری از یک مراسم باشد، روایتی از انسان‌هایی است که هرکدام در گوشه‌ای از شهر، سوگ خود را به شیوه‌ای شخصی زندگی می‌کردند

نگار برندگی

روی دیوار خیابان‌ها شعارهای گوناگونی نوشته بودند؛ ولی یک نوشته بیشتر از همه من را جذب کرد و آنجا فهمیدم مردم قم آغوششان را برای آقای شهید باز کرده‌اند: «آقای همه خوبی‌ها، به شهر قم خوش آمدید.»

محمدجواد بهارلو

دخترک خیلی بی‌تاب بود و این بی‌قراری را بعد از سال‌ها عکاسی می‌توانستم در چشمانش ببینم؛ تا جایی که بی‌طاقتی او من را به هم ریخت و اشکم جاری شد. دخترک مدام به مسیر مترو نگاه می‌کرد و در تکاپو بود. مطمئنم پیش خود می‌گفت پس چرا این قطار لعنتی نمی‌آید. به نوع انتظارکشیدنش خیلی غبطه خوردم. کادر را بستم و آن لحظه را ثبت کردم و همان نقطه نشستم

محمد قاسمی

روز تشییع، صحنه چیزی فراتر از یک تشییع بود. تجسم روح یک ملت بود. نکته جالب این بود که مردم از همه اقشار و با همه وجودشان آمده بودند و همگی احساسی داشتند بین غم از دست دادن و شعله خون‌خواهی. بین این همه سوگ و ماتم، یک ستون قد علم کرده بود با این مضمون که ما فقط به خاطر سوگواری اینجا نیستیم و برای انتقام و بیعت با رهبر جدید آمده‌ایم. گرچه رهبر عوض شده، مسیر استقامت از همیشه جاری‌تر است

محدثه شیخی

در میان جمعیت، مردی بود که کلاه و لباسش را با گل و برگ آراسته، و بر سینه‌اش، ردیف ردیف عکس شهدای میناب را آویخته بود، شهدایی که شاید هیچ‌کدام از شهر خودش نبودند؛ اما گویی همه را می‌شناخت. دست به شقیقه، سلامی رسمی و ایستاده تحویل می‌داد. انگار به جای یک نفر، ده‌ها نفر را همراه خودش به بدرقه آورده بود

فرزانه نجفی

هنر ۰۸

نوجوان باید بار انقلاب را به دوش بگیرد

گزارشی از اجرای طرح تربیتی بنیاد برکت در اصفهان و تلاش برای تبدیل نوجوانان به کنشگران فرهنگی و اجتماعی

باید به سمتی حرکت کنیم که بار انقلاب را دوباره بر دوش نوجوانان قرار دهیم؛ نه اینکه صرفا به آن‌ها خدمات دهیم یا برایشان کلاس و اردو برگزار کنیم، اما فرصت نقش‌آفرینی و کنشگری اجتماعی در اختیارشان نگذاریم

محمد پناهی، دبیر قرارگاه تربیت بنیاد برکت در استان اصفهان

فاطمه رجب‌زاده

سال‌هاست نام بنیاد برکت با مدرسه‌سازی، ایجاد اشتغال، توسعه زیرساخت‌ها و محرومیت‌زدایی در مناطق کم‌برخوردار گره خورده، اما در سال‌های اخیر این بنیاد، در کنار مأموریت‌های عمرانی و اقتصادی خود، به حوزه‌ای ورود کرده که شاید کمتر از سایر فعالیت‌هایش درباره آن سخن گفته شده است؛ «تربیت نوجوانان». این رویکرد بر این باور استوار است که محرومیت، تنها با ساخت مدرسه، ایجاد شغل یا توسعه زیرساخت‌ها از بین نمی‌رود؛ بلکه هر منطقه برای رسیدن به توسعه پایدار، به نیروی انسانی توانمند، مسئولیت‌پذیر و دارای هویت اجتماعی نیز نیاز دارد؛ بر همین اساس، بنیاد برکت با راه‌اندازی «قرارگاه تربیت» تلاش کرده در تعامل با مجموعه‌های فرهنگی، به توانمندی مربیان و نوجوانان فرهنگی بپردازد؛ نوجوانانی که قرار است تنها مخاطب برنامه‌های فرهنگی نباشند؛ بلکه خود به بازیگران اصلی عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی محله‌هایشان تبدیل شوند. در این الگو، به جای ایجاد ساختارهای جدید، ظرفیت گروه‌های مردمی تقویت می‌شود تا با اتکا به تجربه میدانی و شناخت بومی، بتوانند نسل تازه‌ای از کنشگران نوجوان را تربیت کنند. استان اصفهان یکی از نخستین استان‌هایی است که اجرای این طرح را آغاز کرده و امروز به عنوان یکی از استان‌های الگوی قرارگاه تربیت شناخته می‌شود. در این گفت‌وگو با محمد پناهی، دبیر قرارگاه تربیت بنیاد برکت در استان اصفهان، از چرایی ورود بنیاد برکت به عرصه تربیت، شکل‌گیری قرارگاه تربیت، تجربه‌های میدانی آن در اصفهان و نتیجه کارشان در یک سال اخیر صحبت کرده‌ایم...

کانون‌ها ۰۵

توفیق اجباری

باشگاه سپاهان برای ادامه فعالیت نیازمند اصلاح سیستم مدیریتی است

ورزش ۰۷

esfahan ziba online .ir

اصفهان زیبا

شماره ۵۴۱۰

۱۴۰۵ / ۰۴ / ۲۲

دوشنبه

ویراستار و دبیر صفحه / پگاه ظاهری

جهان

تأمین پهپادهای جنگی اوکراین در آلمان

روزنامه نیویورک تایمز در گزارشی با ارائه جزئیات درباره یک کارخانه مخفی نوپا در آلمان که پهپادهای اوکراین را تامین می‌کند، نوشت: هلسینگ اس‌ای با ماشین‌های جنگی هوش مصنوعی، تولید انبوه و ارزان خود، تغییر عمیقی را در هزینه‌های نظامی نشان می‌دهد. به گزارش ایسنا، در مکانی مخفی در جنوب آلمان، یک کارخانه متعلق به هلسینگ اس‌ای، ارزشمندترین استارت‌آپ نظامی هوش مصنوعی اروپا پهپادی مرگبار تولید می‌کند که تهاجمی، سیاه و با بدنه سخت است و تنها ۲۶ پوند وزن دارد. این پهپاد آنقدر سبک و ساده به نظر می‌رسد که به راحتی می‌توان نقش آن را در یک صنعت چند میلیارد دلاری رو به رشد، یعنی جنگ روسیه و اوکراین و شاید حتی در امنیت آینده اروپا، فراموش کرد. دهه‌هاست که دولت‌های غربی به پیمانکارانی مانند لاکهید مارتین یا نورثروپ گرومن، تجهیزاتی مانند تانک، جت جنگنده و زیردریایی سفارش داده‌اند. تحویل این تسلیحات سال‌ها طول می‌کشد و به طرز سرسام‌آوری گران هستند؛ یک جت اف-۳۵ می‌تواند به بیش از ۱۰۰ میلیون دلار برسد. به نوشته روزنامه نیویورک تایمز، این نوع قراردادهای چند ساله دولتی هنوز هم هزینه‌های نظامی زیادی را به خود اختصاص می‌دهند اما روند فعلی واضح است: فناوری دفاعی ارزان‌تر و چابک‌تر می‌شود و پیشرفت‌های آن توسط شرکت‌های خصوصی به جای دولت‌ها توسعه می‌یابد. بنابراین گزارش، از درخواست بودجه ۱.۵ تریلیون دلاری پنتاگون (وزارت جنگ آمریکا) برای سال آینده، حدود ۵۵ میلیارد دلار برای ایجاد یک زرادخانه جدید بدون سرنشین و مجهز به هوش مصنوعی اختصاص داده شده است. در مقیاسی کوچک‌تر، اتحادیه اروپا در حال اجرای آزمایشی یک برنامه ۱۱۵ میلیون یورویی برای تأمین مالی شرکت‌های نظامی هوش مصنوعی است. انتظار می‌رود این بودجه‌ها افزایش یابد و فناوری نظامی به حوزه‌ای پررونق برای سرمایه‌گذاری خطرپذیر تبدیل شده است. هلسینگ، مانند سایر استارت‌آپ‌های نظامی بسیار کوچک‌تر، با بهره‌برداری از نوعی نوآوری تحول‌آفرین و با جذب میلیاردها دلار سرمایه و استخدام استعدادهای برتر فناوری در حال حاضر سناریو را برای دولت‌های تنبل تغییر داده است. این شرکت که برخی از مدیران ارشد آن از پالانتیر، تسلا، اپل و متا مهاجرت کرده‌اند، قصد دارد ماشین‌های جنگی را با هزینه‌ای در حد ۱۷۵۰۰ یورو به صورت انبوه تولید کند. این ماشین‌ها که با هوش مصنوعی کار می‌کنند، به حداقل پرسنل نظامی و تنها به یک هفته آموزش نیاز دارند. و این پهپادها در اوکراین زیر آتش، آزمایش جنگی شده‌اند. کمتر شرکتی به اندازه هلسینگ، استارت‌آپ پنج ساله که در مونیخ مستقر است، تغییر عمیق در نحوه هزینه کردن ارتش‌ها را به وضوح نشان می‌دهد. این کارخانه که در یک مجتمع صنعتی آرام و حومه شهر واقع شده است، تحت تدابیر امنیتی شدید فعالیت می‌کند. نام هلسینگ در هیچ کجا دیده نمی‌شود، مدیران آن نگرانند که هدف اصلی خرابکاری یا حمله باشد، زیرا هزاران پهپاد مونتاژ شده در اینجا علیه نیروهای روسی در اوکراین مستقر شده‌اند در صورت تهدید، این کارخانه می‌تواند ظرف یک روز برچیده و جابجا شود. حدود ۱۰۰ کارگر کارخانه که بسیاری از آنها به تازگی توسط خودروسازان آلمانی اخراج شده‌اند، تحت بررسی‌های امنیتی گسترده قرار می‌گیرند و توافق‌نامه‌های عدم افشاگری امضا می‌کنند. روی یکی از دیوارها شعار انگیزشی «محافظت از دموکراسی‌های ما» نقاشی شده است. هنگامی که سه بنیانگذار هلسینگ این شرکت را در سال ۲۰۲۱ با بودجه اولیه از دانیل اک (Daniel Ek) شرکت سرمایه‌گذاری بنیانگذار اسپاتیفای تأسیس کردند، یک مأموریت داشتند: دفع تهدیدات روسیه و با سرعت. گوندبرت شِرف، یکی از بنیانگذاران و مدیرعامل این شرکت که پیش از این مشاور وزارت دفاع آلمان بود، گفت که «ضرورت این موضوع واضح بود یا حداقل برای ما واضح بود. لازم بود که در حوزه دفاع کارهای بیشتری انجام شود و به اروپا جایگاه قوی‌تری داده شود.» با این حال، با توجه به اینکه هنوز یک سال تا حمله روسیه به اوکراین باقی مانده بود، سرمایه‌گذاران متقاعد نشده بودند. گوندبرت شرف گفت: «در آن زمان، جمع‌آوری پول برای دفاع در اروپا عملاً غیرممکن بود.» از آن زمان تاکنون نیز تغییرات اساسی رخ داده است و نه صرفاً به دلیل جنگ در اوکراین. درخواست‌های دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده از اروپا برای افزایش هزینه‌های نظامی و تهدیدهای مکرر او برای کنترل گرینلند به افزایش بسیار زیاد بودجه‌های نظامی کمک کرده است.

مذاکرات درباره امنیت دریایی در هرمز ادامه دارد

سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان با ارائه توضیحاتی درباره سفر وزیر امور خارجه ایران به عمان در روز شنبه گفت، ایران با طرف عمانی برای ادامه مذاکرات در خصوص امنیت دریایی در تنگه هرمز توافق کرده است.

به گزارش ایسنا، اسماعیل بقائی، درباره مذاکرات ایران عمان که روز شنبه در مسقط انجام شد، عنوان کرد: گفتگوهای وزرای امور خارجه ایران و عمان با هدف هماهنگی بین دو کشور ساحلی تنگه هرمز درباره ترتیبات اداره تردد و کشتیرانی در این تنگه، روز شنبه در مسقط انجام شد. به بیان او، در این گفتگوها که هیات‌های حقوقی و فنی دو کشور نیز حضور داشتند، در خصوص تامین امنیت و ایمنی کشتیرانی در تنگه هرمز، با رعایت حقوق حاکمیتی دو کشور ساحلی و حقوق بین‌الملل قابل اعمال و نیز با توجه به مفاد بند ۵ یادداشت تفاهم اسلام‌آباد بحث و تبادل نظر شد. بقائی گفت، جمهوری اسلامی ایران تأکید دارد که تنظیم ترتیبات اداره آتی تردد در تنگه هرمز باید با مشورت میان دو کشور ساحلی و با در نظر گرفتن تحولات چند ماهه گذشته به‌ویژه جنگ تحمیلی آمریکا رژیم صهیونیستی و پیامدهای امنیتی آن بر کشتیرانی در تنگه هرمز صورت گیرد. سخنگوی وزارت خارجه کشورمان افزود، عمان و ایران توافق کردند گفتگوها را در سطوح سیاسی و فنی حقوقی برای رسیدن به تفاهم مشترک در رابطه با تامین امنیت کشتیرانی در تنگه هرمز ادامه دهند. لازم به ذکر است در بخشی از این گفتگوها، هیاتی از دولت قطر، به‌عنوان یکی از کشورهای منطقه که در ماه‌های اخیر به‌عنوان میانجی مذاکرات آمریکا ایران هم ایفای نقش کرده است، حضور داشت.

نقش اصفهان در دیپلماسی حزبی

خواهرخواندگی شهرها و پشتوانه فرهنگی نصف جهان، می‌تواند بستر ارتباطات بین حزبی را در بستر بین‌المللی تقویت می‌کند

پگاه السادات طباطباء

خبرنگار گروه سیاست

تعاملات بین‌المللی احزاب سیاسی یکی از ابعاد مهم دیپلماسی عمومی و دیپلماسی حزبی در نظام بین‌الملل به شمار می‌رود. احزاب سیاسی در بسیاری از کشورها، افزون بر ایفای نقش در عرصه سیاست داخلی، از طریق برقراری ارتباط با احزاب همسو، نهادهای سیاسی، اندیشکده‌ها و مجامع بین‌المللی، به توسعه گفت‌وگوهای سیاسی، تبادل تجربیات، تقویت اعتماد متقابل و گسترش همکاری‌های بین‌المللی کمک می‌کنند. این روابط که گاه در قالب دیدارهای رسمی، نشست‌های مشترک و رایزنی‌های سیاسی شکل می‌گیرد، مکمل دیپلماسی رسمی دولت‌ها بوده و در افزایش قدرت نرم و توسعه مناسبات سیاسی میان کشورها نقش مؤثری ایفا می‌کند. در جمهوری اسلامی ایران، بخش مهمی از تعاملات خارجی احزاب و جریان‌های سیاسی در چارچوب «خانه احزاب ایران» ساماندهی می‌شود. خانه احزاب به‌عنوان نهادی فراگیر متشکل از احزاب دارای مجوز، با هدف تقویت فرهنگ تحزب، ایجاد هماهنگی میان جریان‌های سیاسی و توسعه ارتباطات داخلی و خارجی فعالیت می‌کند. بر اساس قوانین و مقررات کشور، این تعاملات با رعایت سیاست‌های کلان نظام، در هماهنگی با دستگاه‌های ذی‌ربط و در چارچوب منافع ملی انجام می‌شود. در سال‌های اخیر، دیدار مسئولان خانه احزاب با سفیر و دیگر مقامات سیاسی و تأکید بر توسعه همکاری‌های حزبی و گسترش ارتباط با احزاب کشورهای دوست از جمله چین، نمونه‌ای از بهره‌گیری از ظرفیت دیپلماسی حزبی برای گسترش گفت‌وگوها و همکاری‌های بین‌حزبی با کشورهای دوست به شمار می‌رود. از سوی دیگر، خانه احزاب ایران، علاوه بر مرکز، از طریق خانه‌های احزاب در استان‌های مختلف کشور نیز فعالیت می‌کند. براساس اساسنامه و آیین‌نامه تشکیل خانه احزاب استان‌ها، در استان‌هایی که شرایط قانونی لازم را داشته باشند، شعب استانی تشکیل می‌شود تا ضمن ایجاد هماهنگی میان احزاب دارای مجوز، توسعه فرهنگ تحزب، برگزاری نشست‌های مشترک و پیگیری مطالبات احزاب، زمینه تعامل و همکاری میان جریان‌های سیاسی در سطح استان را نیز فراهم سازند. این ساختار چندسطحی موجب شده است که فعالیت‌های خانه احزاب صرفاً به تهران محدود نباشد، بلکه در استان‌های مختلف کشور نیز سازمان‌دهی و پشتیبانی شود.

در این میان، استان اصفهان به دلیل برخورداری از ظرفیت‌های قابل توجه در حوزه دیپلماسی، به‌ویژه دیپلماسی فرهنگی، می‌تواند به یکی از کانون‌های تعاملات و ارتباطات حزبی با سایر کشورها تبدیل شود. برای نمونه، خواهرخواندگی اصفهان با شمار قابل توجهی از شهرهای مهم جهان، ظرفیت مناسبی برای گسترش ارتباطات فرهنگی، سیاسی و حتی تعاملات میان احزاب و جریان‌های سیاسی فراهم می‌آورد. از این منظر، توسعه ارتباطات احزاب و جریان‌های سیاسی ایران با احزاب کشورهای دیگر، به‌ویژه کشورهای دوست و دارای روابط سیاسی نزدیک با جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر فراهم ساختن زمینه تبادل تجربیات سیاسی، می‌تواند به تقویت دیپلماسی عمومی، ارتقای قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و ایجاد بسترهای جدید برای همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی کمک کند. البته این تعاملات جایگزین سیاست خارجی رسمی دولت نیست، بلکه در جایگاه ابزاری مکمل، می‌تواند به تعمیق روابط سیاسی و فرهنگی در سطوح ملی و بین‌المللی یاری رساند. از این‌رو، خانه احزاب ایران و شعب استانی آن را می‌توان یکی از ظرفیت‌های مؤثر در تکمیل دیپلماسی رسمی جمهوری اسلامی ایران دانست که می‌تواند از طریق گسترش ارتباطات بین‌حزبی، به افزایش شناخت متقابل، تقویت قدرت نرم و توسعه همکاری‌های سیاسی و فرهنگی کمک کند.

ارتباط خواهرخواندگی اصفهان با تعداد از شهرهای جهان، بستر مناسبی است که می‌توانیم فراتر از تعاملات رسمی بین مراکز حکومتی کشورها، از آن برای آغاز ارتباطات حزبی و فرهنگی استفاده کنیم

ارتباط احزاب؛ پلی برای تبادل تجارب و صدور مردم‌سالاری دینی

رسول حامدیان، دبیر جامعه اسلامی مهندسین استان اصفهان و رئیس خانه احزاب استان در گفت‌وگو با «اصفهان زیبا» به تعامل احزاب و جریان‌های سیاسی کشور با سایر کشورها در بستر تبادل تجارب اشاره می‌کند و می‌گوید: «طبیعتاً اگر بتوانیم با احزاب سایر کشورها، به‌ویژه کشورهایی که بیشتر هم جهت هستند ارتباط برقرار کنیم، هم می‌توانیم افکار آن‌ها را درک کنیم و هم از تجاربشان بهره ببریم. حال نکته‌ای که در اینجا حائز اهمیت می‌باشد این است که تجربه مردم‌سالاری در ایران حداکثر به پنجاه سال پیش بازمی‌گردد، در حالی که برخی کشورها سابقه صد تا دویست سال کار حزبی و دموکراسی دارند. بنابراین، ما می‌توانیم از تجارب آن‌ها در زمینه حضور مردم در تشکیل حکومت و نهادهای حکومتی استفاده کنیم.» او ادامه می‌دهد: «از سوی دیگر، ما تجربیات و دیدگاه‌های خود را نیز داریم. تجربه بی‌بدیل انقلاب اسلامی در این است که برخلاف دموکراسی‌های سکولار، تنها الگوی مردم‌سالاری مبتنی بر مبانی دینی را ارائه می‌دهد. ما می‌توانیم اندیشه مردم‌سالاری دینی را ترویج، گسترش و به کشورهای دیگر صادر کنیم. در این میان، ارتباط میان احزاب داخلی یا خانه احزاب با کشورهای دیگر، این امکان را فراهم می‌کند تا هم از تجارب آنان بیاموزیم و هم تجربه ناب خود را بر پایه مردم‌سالاری دینی به آنان منتقل کنیم.»

حامدیان می‌افزاید: «از ابتدای تأسیس نظام جمهوری اسلامی توسط امام خمینی (ره)، بحث «صدور انقلاب» مطرح بود و این تعاملات می‌تواند زمینه مناسبی برای تحقق و گسترش آن باشد؛ یعنی انتقال افکار انقلابی به سایر ملت‌ها.»

ظرفیت‌های تاریخی فرهنگی اصفهان به‌مثابه بستری برای دیپلماسی حزبی

رئیس خانه احزاب استان اصفهان به ظرفیت‌های ویژه استان اصفهان در جایگاه یکی از مهم‌ترین استان‌های کشور در خصوص ارتباطات حزبی می‌پردازد و تصریح می‌کند: «در این میان، اصفهان ظرفیت ویژه‌ای دارد. این شهر با شاخصه‌های برجسته در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، صنعتی و گردشگری، جاذبه‌های زیادی برای کشورهای دیگر ایجاد کرده است. ارتباط خواهرخواندگی اصفهان با تعداد قابل توجهی از شهرهای مطرح جهان، بستر مناسبی است که می‌توانیم فراتر از تعاملات رسمی بین مراکز حکومتی کشورها، از آن برای آغاز ارتباطات حزبی و فرهنگی استفاده کنیم.» او همچنین در ادامه تأکید می‌کند: «بسیاری از شاخصه‌هایی که اصفهان را ممتاز ساخته، از جمله فرهنگ غنی، گردشگری، صنایع دستی و مفاهیم تمدنی عمیق، زمینه انتقال مفاهیم فرهنگ و تمدن اسلامی ایرانی را فراهم می‌آورد. از آنجا که اصفهان در طول دوره‌های مختلف پایتخت حکومت‌هایی همچون صفویه بوده، این امر، می‌تواند محور انتقال این فرهنگ و تمدن ویژه باشد. طبیعتاً در کنار این ارتباطات فرهنگی و خواهرخواندگی، می‌توان افکار انقلاب را نیز به کشورهای دیگر منتقل و صادر کرد.»

حقوقی قضایی

بیش از ۴۱ درصد متقاضیان واجد شرایط وام ازدواج و فرزندآوری در صف هستند

دیوان محاسبات اعلام کرد که بیش از ۴۱ درصد متقاضیان واجد شرایط در صف دریافت تسهیلات حمایت از خانواده و جوانی جمعیت هستند.

به گزارش ایسنا، دیوان محاسبات کشور گزارش اعطای تسهیلات تکلیفی قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در سال ۱۴۰۴ را منتشر کرد. براساس اعلام دیوان محاسبات کشور، در بخش تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج، از مجموع ۱,۰۵۵,۳۸۶ متقاضی، به ۶۲۲,۴۹۸ نفر بالغ بر ۲۰۹ هزار میلیارد تومان تسهیلات پرداخت شده است.

بدلیل عدم پیش‌بینی منابع تسهیلات قرض‌الحسنه متناسب با افزایش متقاضیان در سال‌های اخیر، همچنان ۴۱ درصد متقاضیان واجد شرایط در صف دریافت این تسهیلات قرار دارند.

همچنین در بخش تسهیلات قرض‌الحسنه فرزندآوری، از مجموع ۹۳۶,۲۷۳ متقاضی، به ۵۳۱,۲۵۲ نفر در مجموع ۴۹ هزار میلیارد تومان تسهیلات پرداخت شده و ۴۳ درصد متقاضیان واجد شرایط، کماکان تسهیلات دریافت نکرده‌اند.

عدم انعقاد قرارداد برای آغاز عملیات بازسازی فرودگاه‌ها حتی در شرایط جنگی، تخلف محرز است

سخنگوی سازمان بازرسی کل کشور تأکید کرد که صرفا «فوریت» در انجام پروژه‌ها، نباید بهانه‌ای برای نادیده گرفتن قانون برگزاری مناقصات و مقررات مالی باشد.

به‌گزارش ایلنا به نقل از روابط عمومی سازمان بازرسی کل کشور، سخنگوی سازمان بازرسی کل کشور، با اشاره به ضرورت رعایت چارچوب‌های قانونی در شرایط بحرانی، تأکید کرد که صرفا «فوریت» در انجام پروژه‌ها، نباید بهانه‌ای برای نادیده گرفتن قانون برگزاری مناقصات و مقررات مالی باشد. میرمحمدی با اشاره به بازدید بازرسان سازمان بازرسی از فرودگاه‌های مهرآباد، زنجان، تبریز و خوی، اظهار داشت که در بازرسی‌های میدانی مشخص شده است برخی پروژه‌های بازسازی فرودگاه‌ها توسط پیمانکاران منتخب آغاز یا حتی به اتمام رسیده است؛ در حالی که تا زمان بازرسی، هیچ قرارداد مکتوبی منعقد و به پیمانکاران ابلاغ نشده بود.

سخنگوی بازرسی کل کشور با بیان اینکه این رویه «نقض آشکار تشریفات قانونی» و «ایجاد تعهد بدون مجوز برای دستگاه اجرایی» قلمداد می‌شود، تأکید کرد: چنین اقدامی شرکت فرودگاه‌ها را در معرض خطرات جدی حقوقی و قضایی از جمله ادعای افزایش هزینه، درخواست خسارت از سوی پیمانکار و مشکلات حقوقی در دعاوی آتی قرار می‌دهد.

او یادآور شد: در همین راستا بازرس کل امور راه و شهرسازی طی مکاتبه ای هشداری به شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی؛ انعقاد و ابلاغ قراردادهای مربوط را از آن شرکت مطالبه و هرگونه جواز پرداخت اعم از علی‌الحساب، صورت وضعیت یا قطعی را منوط به رعایت کامل تشریفات قانونی اعلام کرد. سخنگوی بازرسی کل کشور در پایان تصریح کرد: صرفا فوریت اقدام میدانی هرگز توجیهی برای عدم توجه به قانون نیست؛ ودستگاه‌های اجرایی موظف‌اند حتی در شرایط بحرانی، حداقل‌های حقوقی و قراردادی را رعایت کنند.

سیاست روز

تمدید قرارداد مستأجران خودکار است

عضو کمیسیون عمران مجلس با تأکید بر اینکه مصوبه سران قوا در سال ۱۴۰۵ سقف افزایش اجاره بها را حداکثر ۲۵ درصد تعیین کرده است، گفت: مالکان جز در موارد محدود و با تأیید دستگاه قضایی حق تخلیه مستأجر را ندارند. به‌گزارش ایلنا، علیرضا نثاری درباره گرانی اجاره بها در کشور و عدم نظارت بر بازار مسکن که کار را به جایی رسانده است که برخی از خانواده‌ها دیگر توانایی پرداخت اجاره ندارند، گفت: بحث بازار اجاره مسکن برای مستاجران موضوعی است که باید ساماندهی شود. این عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی با اشاره به مصوبه سران قوا درخصوص اجاره مسکن در جاری، بیان کرد: ابتدا باید به یک موضوع اشاره کنم و آن مصوبه سران قوا درخصوص بازار اجاره بها است؛ یک مصوبه، خارج از ضوابط قانونی و مجلس، توسط سران قوا وجود دارد مبنی بر اینکه در سال ۱۴۰۵ افزایش اجاره بها حداکثر ۲۵ درصد باشد و کسی نتواند مستأجر را از ساختمان یا واحد بلند کند، مگر اینکه یکی دو تبصره داشته باشد که آن هم باید دستگاه قضا تشخیص بدهد. یعنی عملاً این مصوبه به نفع مستأجران محترم بوده و هست و اگر کسی بخواهد بیش از آن اقدام کند، این مصوبه پشتوانه حقوقی برای مستأجر است.

او خاطرنشان کرد: قانون درخصوص مستاجران وجود دارد و سران قوا در جهت تکمیل و اجرای کامل قانون، مصوبه‌ای دادند که افزایش اجاره بها در سال ۱۴۰۵ و تمدید قرارداد به صورت خودکار انجام شود و افزایش اجاره بها حداکثر ۲۵ درصد باشد. یعنی می‌تواند صفر باشد، می‌تواند یک درصد باشد، می‌تواند ۱۰ درصد باشد، اما حداکثر ۲۵ درصد است. البته این موضوع را به دو یا سه شرط هم مشروط کرده‌اند که اگر آن شرایط وجود داشته باشد، مستأجر باید ملک را تخلیه کند و آن هم با دستور قضایی؛ در غیر این صورت، تمدید باید به صورت خودکار انجام شود.

نثاری با بیان اینکه این یک مصوبه لازم‌الاجراست که دستگاه قضایی هم پشتوانه آن است و عموماً کسی نمی‌تواند از آن تعدی کند، اظهار داشت: این مصوبه برای کل سال و برای کل کشور است. مصوبه سران قواست ابلاغ هم شده و وزارت راه و شهرسازی هم آن را به تمام استانداران و فرمانداران ابلاغ کرده است. همین الان در شهر خودم رئیس اتحادیه املاک و مشاوران املاک این موضوع را اطلاع‌رسانی کرده و همین مصوبه را با امضای خودش برای همکاران و اطلاع عموم منتشر کرده است. بنابراین مردم باید بدانند که این حق قانونی آنهاست. او در پاسخ به این پرسش که مالک در چه شرایطی می‌تواند از مستأجر بخواهد ملک را تخلیه کند، گفت: چند شرط برای این موضوع در نظر گرفته شده است.

برای مثال، اگر مالک اعلام کند که خانه فروخته شده، سند فروش باید مربوط به تاریخی پیش از ابلاغ این مصوبه باشد تا دستگاه قضایی احراز کند که معامله صوری نیست. در این صورت، مستأجر باید ظرف دو ماه ملک را تخلیه کند. این نماینده مجلس شورای اسلامی ادامه داد: همچنین اگر مالک اعلام کند که ملک را برای فرزند خود نیاز دارد، این ادعا هم نباید صوری باشد و سازوکاری پیش‌بینی شده است تا دستگاه قضایی بررسی کند که این ادعا واقعی است یا صرفاً بهانه‌ای برای تخلیه ملک. او تأکید کرد: در غیر این صورت، اگر مالک صرفا بگوید افزایش ۲۵ درصدی اجاره بها را قبول ندارد یا به هر دلیل دیگری با تمدید قرارداد مخالفت کند، این موارد وجاهت قانونی ندارد. بر اساس مصوبه، قرارداد اجاره به صورت خودکار تمدید می‌شود و این مصوبه کاملاً قانونی و لازم‌الاجراست.

این عضو کمیسیون عمران مجلس با تاکید بر این که ما باید بازار مسکن را ساماندهی کنیم و برای آنچه که امروز در این بازار اتفاق افتاده است سازوکاری ارائه دهیم، عنوان کرد: چرا بعضاً اجاره بها بالا می‌رود؟ به این دلیل که شاید برای یک واحد خاص متقاضی زیاد باشد. فرض کنید یک واحد خالی باشد و سه ماه یک نفر هم سراغش نرود؛ مالک یا مشاور املاک با چه شرایطی مواجه می‌شود؟ در مقابل، یک واحد دیگر باشد که روزانه ۳۰ نفر برای اجاره آن مراجعه کنند. نثاری ادامه داد: این یعنی اگر واحدهای ساخته شده و خالی که در سطح کشور داریم، که بیش از دو و نیم میلیون واحد است، طبق قانون مالیات بر خانه‌های خالی واقعاً مشمول اجرای قانون شوند، دیگر مالک نمی‌تواند واحدش را خالی نگه دارد.

او ادامه داد: طبق آن قانون، مالک موظف است ملک را اجاره دهد. وقتی شما، حتی نه دو و نیم میلیون، بلکه ۵۰ درصد آن یعنی حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار واحد را در سراسر کشور عرضه کنید، تنوع انتخاب بسیار زیادی ایجاد می‌شود و همین موضوع باعث کاهش و تعدیل قیمت‌ها خواهد شد. این یک راهکار بسیار ساده است. ما آن قانون را اجرا نمی‌کنیم، از آن طرف می‌گوییم مستاجر در فشار قرار دارد، بعد به مالک می‌گوییم چرا اجاره نمی‌دهی؟ او می‌گوید منتظر مانده‌ام که بفروشم.

esfahan ziba online .ir

اصفهان زیبا

شماره ۵۴۱۰

۱۴۰۵ / ۰۴ / ۲۲

دوشنبه

ویراستار/ عذرا دیانی

" محمد نورصالحی
" رئیس شورای اسلامی شهر اصفهان

حضور تاریخی مردم در تشییع رهبر شهید انقلاب نشان‌دهنده شکست قطعی توطئه‌های دشمنان است

رئیس شورای اسلامی شهر اصفهان با اشاره به تجلی وحدت امت اسلام در تشییع رهبر شهید انقلاب گفت: حضور تاریخی مردم در تشییع آقای شهید ایران نشان دهنده شکست قطعی توطئه های دشمنان است.

محمد نورصالحی در نطق پیش از دستور دویست و بیست و ششمین جلسه علنی شورای اسلامی شهر اصفهان با تسلیت شهادت رهبر فرزانه انقلاب به عموم مردم ایران، حضور میلیونی و عاشقانه ملت در مراسم تشییع در شهرهای تهران، قم و مشهد را کار تاریخی و فراموش نشدنی خواند و با اشاره به ابعاد شگفت انگیز این مراسم در کشور عراق اظهار کرد: حضور بیش از ۱۰ میلیون نفر از جمعیت عراق در مراسم تشییع که نشان دهنده شرکت حدود یک سوم جمعیت این کشور است، ثابت کرد که دشمنان در پی ایجاد تفرقه میان امت اسلام و ملت های ایران و عراق، ناکام مانده اند و این پیوند قلبی حتی پرشورتر از گذشته است.

او با تأکید بر اینکه دشمن با تصور واهی فروپاشی نظام پس از شهادت رهبر شهید، توطئه های سنگینی طراحی کرده بود، افزود: همان طور که رهبر فرمودند، خامنه‌ای شهید، خطرش برای دشمنان صهیونیست و آمریکایی از خامنه‌ای زنده به مراتب بیشتر است. دشمن دید که با این جنایت، نه تنها به اهداف خود نرسید، بلکه خود در برابر موج خروشان ایمان مردم، بیش از پیش منهدم شد.

رئیس شورای اسلامی شهر اصفهان با بیان اینکه در جمهوری اسلامی به لطف الهی بن بستی وجود ندارد، از زعامت حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای به عنوان «رهبر سوم انقلاب» یاد کرد و گفت: خداوند متعال را شاکریم که با رهبری داهیانه ایشان، پرچم انقلاب همچنان برافراشته است. ما این روزها را با صلابت پشت سر می‌گذاریم و ان شاءالله روز به روز به قله های عزت نزدیک تر خواهیم شد. نورصالحی با تأکید بر اینکه مردم ایران به معنای واقعی کلمه پدر از دست داده‌اند، از عموم شهروندان اصفهانی و ملت ایران که با اشتیاق و خیرخواهی در صحنه حضور یافتند، تقدیر کرد و گفت: این حضور، تحقق عینی وفاداری به نظام و انقلاب است. امیدواریم با استعانت از خداوند متعال و در سایه این وحدت، شاهد عاقبت به خیری ملت و نظام و فرج مولایمان امام زمان (عج) باشیم.

" سید امیر سامع
" نایب‌رئیس شورای اسلامی شهر اصفهان

سامانه «دوام» گام جدید اصفهان برای افزایش تاب‌آوری در بحران‌ها

نایب رئیس شورای اسلامی شهر اصفهان از راه اندازی و معرفی سامانه «دوام» برای ثبت توانمندی ها و ظرفیت های شهروندان خبر داد و گفت: این سامانه با هدف شناسایی و سازمان دهی امکانات و نیروهای مردمی، نقش مهمی در افزایش تاب آوری محله ها و ارتقای آمادگی شهر اصفهان در برابر بحران ها ایفا می کند.

سید امیر سامع در برنامه رادیویی «صدای شهر» با اشاره به برنامه های مدیریت شهری برای ارتقای آمادگی شهر در برابر بحران ها اظهار کرد: یکی از مهم ترین موضوع ها، تکمیل و تقویت گروه های مردمی و محله محور بوده که با همکاری دستگاه های استان، معاونت فرهنگی و اجتماعی و مدیریت بحران شهرداری اصفهان در حال پیگیری و سازمان دهی است.

او افزود: این هسته های محلی و مردمی تلاش می کنند امکانات و ظرفیت های موجود در هر محله را شناسایی کنند تا در شرایط بحرانی بتوان از آن ها به بهترین شکل استفاده کرد. نایب رئیس شورای اسلامی شهر اصفهان تأکید کرد: برای نمونه، اگر در یک محله چاه آب وجود داشته باشد، در صورت شناسایی، بررسی وضعیت بهداشتی، ایمنی و تجهیزات آن می توان در مواقع اضطراری و هنگام بروز اختلال یا قطع آب، از این ظرفیت برای خدمت رسانی استفاده کرد.

سامع گفت: ظرفیت هایی همچون ژنراتورهای موجود در محله ها، امکانات دارویی، تجهیزات مختلف و نیروهای متخصص، کارکنان شاغل در بخش های مختلف، بازنشستگان باتجربه و سایر گروه های مردمی نیز در این هسته ها شناسایی و سازمان دهی می شود. او ادامه داد: این هسته ها تشکیل شده اند تا هرچه بیشتر انسجام پیدا کنند؛ ظرفیت های خود را مستندسازی کنند و در صورت وقوع هرگونه حادثه، در صحنه حضور داشته باشند تا شهر در قالب یک مجموعه آماده، از آمادگی بیشتری برای مقابله با بحران ها برخوردار شود.

نایب رئیس شورای اسلامی شهر اصفهان خاطرنشان کرد: در کنار این اقدام ها، ساختارهای لازم برای ارتباط این هسته های مردمی با دستگاه های مختلف نیز پیش بینی شده است تا نحوه حمایت دستگاه ها از ظرفیت های محله‌ای مشخص و هماهنگ باشد. سامع گفت: سامانه‌ای با عنوان «دوام» به شهروندان معرفی شده است تا مردم بتوانند از طریق آن، توانمندی ها، تخصص ها و ظرفیت های خود را ثبت و معرفی کنند.

نایب رئیس شورای اسلامی شهر اصفهان افزود: شهروندان در این سامانه می توانند علاوه بر معرفی تخصص های خود، امکاناتی را که در شرایط بحرانی قابلیت استفاده دارد نیز ثبت کنند تا در لحظه های اولیه وقوع حوادث، دوران بازسازی یا در رخدادهایی همچون سیل و زلزله، از این ظرفیت ها برای خدمت رسانی و کاهش خسارات استفاده شود. او تأکید کرد: بهره‌گیری از این ظرفیت های مردمی می تواند نقش مؤثری در افزایش تاب‌آوری شهر، ارتقای آمادگی محله ها و به حداقل رساندن خسارات ناشی از بحران ها داشته باشد.

" جواد کشانی
" مدیر منطقه ۱۳ شهرداری اصفهان

بازسازی بیش از یک‌هزارو۷۰۰ واحد آسیب‌دیده جنگ در منطقه ۱۳ اصفهان به مراحل پایانی رسید

مدیر منطقه ۱۳ شهرداری اصفهان گفت: روند بازسازی بیش از یک هزارو۷۰۰ واحد آسیب دیده در جنگ رمضان در محدوده منطقه ۱۳ با برگزاری مستمر جلسه های پیگیری و هماهنگی میان دستگاه های اجرایی، به مراحل پایانی رسیده است.

جواد کشانی اظهار کرد: رسیدگی سریع به مطالبه های شهروندان آسیب دیده و جبران خسارت های ناشی از جنگ رمضان، یکی از اولویت های مدیریت شهری منطقه ۱۳ است و در همین راستا، جلسه های پیگیری روند بازسازی و جبران خسارت ها به صورت هفتگی برگزار می شود.

او افزود: این جلسه ها با هدف ایجاد هماهنگی میان عوامل اجرایی، تسریع در روند رسیدگی به پرونده ها و رفع موانع موجود، به صورت منظم برگزار می شود و آخرین وضعیت ارزیابی خسارت ها، روند پرداخت ها، تصمیم گیری درباره پرونده های خاص و راهکارهای تسریع در جبران خسارت شهروندان مورد بررسی قرار می گیرد.

مدیر منطقه ۱۳ شهرداری اصفهان با اشاره به اینکه سه محله قائمیه، امیریه و ولیعصر بیشترین آسیب را در جریان جنگ رمضان متحمل شدند، تصریح کرد: منطقه ۱۳ از نخستین مناطق شهر اصفهان بود که در این حادثه مورد حمله قرار گرفت. کشانی ادامه داد: با همکاری مستمر دستگاه های اجرایی، نهادهای مسئول و مجموعه مدیریت شهری، روند بازسازی این واحدها با سرعت مطلوب در حال انجام است و بخش عمده عملیات اجرایی به پایان رسیده و اکنون مراحل پایانی بازسازی در حال اجراست. او با تأکید بر اینکه پاسخ‌گویی شفاف، حفظ حقوق شهروندان و تسریع در رفع مشکلات آنان از مهم ترین رویکردهای مدیریت منطقه است، خاطرنشان کرد: در تمامی جلسه ها بر ضرورت همکاری، هم‌افزایی و پاسخ‌گویی سریع به شهروندان آسیب دیده تأکید می شود تا پرونده ها در کوتاه‌ترین زمان ممکن تعیین تکلیف شود.

مدیر منطقه ۱۳ شهرداری اصفهان گفت: رویکرد مدیریت شهری در این منطقه، پیگیری مستمر مطالبه های مردمی تا حصول نتیجه است و این روند با برگزاری جلسه های هفتگی و هماهنگی با دستگاه های مرتبط ادامه خواهد داشت تا تمامی واحدهای آسیب دیده هرچه سریع‌تر بازسازی شوند و به شرایط عادی بازگردند.

کشانی افزود: شهرداری منطقه ۱۳ با تمام ظرفیت در کنار شهروندان آسیب دیده قرار دارد و تلاش می‌کند با برنامه‌ریزی منسجم، تسریع در فرایندهای اجرایی و هماهنگی میان دستگاه های مسئول، روند بازسازی با کیفیت مطلوب و در کوتاه‌ترین زمان ممکن به سرانجام برسد.

" مصطفی مرادیان‌نژاد
" مدیرکل پیشگیری و رفع تخلف های شهری شهرداری اصفهان

ثبت بیش از چهارهزار تخلف ساختمانی در شهر اصفهان طی سه ماهه نخست ۱۴۰۵

مدیرکل پیشگیری و رفع تخلف های شهری شهرداری اصفهان از ثبت بیش از چهارهزار تخلف ساختمانی در سه ماهه نخست ۱۴۰۵ خبر داد و گفت: در این مدت، علاوه بر برخورد با تخلف های ساختمانی، صدها مورد سد معبر، خودروهای فرسوده، دست‌فروشی، تخلیه غیرمجاز نخاله و سایر تخلف های شهری نیز شناسایی و سامان دهی شده است. مصطفی مرادیان نژاد با اشاره به شاخص های ارزیابی عملکرد کنترل تخلف های شهر اصفهان در سه ماهه ابتدایی ۱۴۰۵ اظهار کرد: در این مدت ۷۳۴ مورد مشاهده سد معبر صنوف ثبت و ۶۵۴ مورد جمع‌آوری در خصوص مشاهده ها انجام شد که از مهم‌ترین اقدام های حوزه کنترل تخلف های شهری به شمار می رود. او افزود: در بخش خودروهای فرسوده ۱۳۰ مورد مشاهده و ۷۴ مورد جمع‌آوری در خصوص مشاهده ها ثبت شد؛ همچنین در حوزه خودروهای دوره‌گرد و کارگری، یک هزارو۱۰۴ مورد مشاهده و ۲۱۸ مورد جمع‌آوری درباره مشاهده ها صورت گرفت. مدیرکل پیشگیری و رفع تخلف های شهری شهرداری اصفهان تأکید کرد: در بخش مشاهده متکدی و دست‌فروش، ۴۲۳ مورد مشاهده و ۹۰۰ مورد جمع‌آوری در خصوص مشاهده ها ثبت شده است؛ در حوزه مشاهده تخلیه و انباشت نخاله، ضایعات و مصالح در محل های غیرمجاز نیز ۴۲۳ مورد مشاهده و ۳۲۴ مورد تعطیلی کارگاه یا جمع‌آوری درباره مشاهده ها انجام شده است. مرادیان نژاد با بیان اینکه در بخش مشاهده داربست های غیرمجاز، ناایمن و بدون اعتبار، هشت مورد مشاهده و هفت مورد جمع‌آوری در خصوص مشاهده ها ثبت شد، گفت: در حوزه مشاهده خاک برداری و گودبرداری بدون مجوز و رعایت اصول و ضوابط، ۲۳ مورد مشاهده و ۳۰ مورد تعطیلی کار درباره مشاهده ها صورت گرفت.

مدیرکل پیشگیری و رفع تخلف های شهری شهرداری اصفهان ادامه داد: در بخش گزارش کارگاه های ساختمانی مختلف در مبحث کنترل ساختمان، مجموع تخلف های ساختمانی به چهارهزارو۴۴۳ مورد رسید و در این مدت ۴۸۷ پروانه صادر شد؛ همچنین نسبت تعطیلی کار به مشاهده ها در این بخش دوهزارو۹۷۹ ثبت شده است. او خاطرنشان کرد: در سه ماهه ابتدایی سال جاری ۴۳۰ پرونده مربوط به رفع تخلف های بند ۱۴ ماده ۱۱۰ تشکیل و رسیدگی شد؛ همچنین ۱۲۴ پرونده مربوط به رفع تخلف های بند ۲۰ تشکیل و پیگیری شده است.

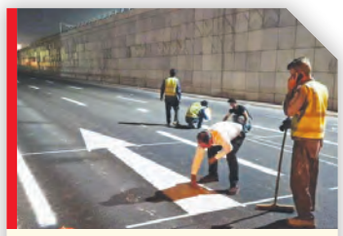

خط‌کشی ترافیکی پروژه بزرگ شهید آیت‌الله رئیسی آخرین گام پیش از افتتاح

عملیات خط‌کشی ترافیکی معابر، تقاطع ها و میدان های پروژه مجموعه پل ها و زیرگذر بزرگراه شهید آیت‌الله رئیسی به عنوان آخرین مرحله تجهیز ترافیکی این طرح بزرگ در حال اجراست و پروژه به زودی آماده بهره‌برداری و استفاده شهروندان خواهد شد.

پس از تکمیل بخش های عمرانی، آسفالت، روشنایی، نصب علائم و تجهیزات ایمنی، اکنون عملیات خط‌کشی ترافیکی به عنوان آخرین گام تجهیز ترافیکی پروژه در حال اجراست تا مجموعه پل ها و زیرگذر شهید آیت‌الله رئیسی با آمادگی کامل در اختیار شهروندان قرار گیرد.

این پروژه یکی از مهم‌ترین طرح های عمرانی شمال شهر اصفهان به شمار می رود که با هدف رفع گره های ترافیکی، افزایش ایمنی تردد، کاهش زمان سفرهای درون شهری و ایجاد زیرساخت های توسعه در محله حصه اجرا شده است.

ورودی شهر اصفهان از سمت فرودگاه بین المللی شهید بهشتی اصفهان و مسیر عبوری منطقه حصه طی سال های گذشته با مشکلاتی همچون ترافیک سنگین، ناایمنی معابر و وقوع سوانح رانندگی مواجه بود و اجرای این پروژه با هدف سامان دهی این محور مهم و ارتقای کیفیت زندگی ساکنان منطقه در دستورکار مدیریت شهری قرار گرفت.

مجموعه پل ها و زیرگذر شهید آیت‌الله رئیسی در مساحتی بالغ بر ۳۰۰ هزار مترمربع و طولی نزدیک به سه کیلومتر طراحی و اجراشده و بخش شاخص آن، زیرگذری به طول تقریبی یک هزارو۳۰۰ متر است که در زمره طولانی‌ترین مسیرهای غیرهمسطح شمال شهر اصفهان قرار می‌گیرد.

در این پروژه، پل هایی با مجموع مساحت حدود هفت هزار مترمربع و عرض چهارتا ۲۰ متر روی مسیر زیرگذر اجرا شده اند که علاوه بر نقش ترافیکی، در ایجاد پیوستگی کالبدی و اجتماعی محله حصه و کاهش اثرات جدایی دو بخش شمالی و جنوبی این محدوده نیز مؤثر خواهند بود.

برای اجرای این طرح، بیش از یک هزار میلیارد تومان اعتبار هزینه شده که این میزان سرمایه‌گذاری نشان دهنده توجه ویژه مدیریت شهری به توسعه زیرساخت های منطقه ۱۰ و محله های کمتربرخوردار شهر اصفهان است.

با تکمیل عملیات خط‌کشی و سایر اقدام های نهایی، پروژه مجموعه پل ها و زیرگذر بزرگراه شهید آیت‌الله رئیسی در آستانه افتتاح قرار دارد و به زودی به عنوان یکی از مهم‌ترین پروژه های ترافیکی شمال اصفهان به بهره‌برداری خواهد رسید.

تجربه اصفهان مبنای تدوین سند ملی فرهنگ شهروندی کشور شد

اداره توسعه فرهنگ شهروندی شهرداری اصفهان با انتقال تجربه های بیش از دو دهه فعالیت تخصصی در حوزه آموزش و فرهنگ شهروندی، نقش محوری در تدوین سند ملی فرهنگ شهروندی کشور ایفا کرده است؛ سندی که پس از تصویب در شورای فرهنگ عمومی کشور به تمام شهرداری ها و دهیاری های کشور ابلاغ خواهد شد.

اداره توسعه فرهنگ شهروندی شهرداری اصفهان در راستای انتقال تجربه های تخصصی خود و کمک به نهادینه سازی فرهنگ شهروندی در سطح کشور، طی ماه های گذشته همکاری گسترده‌ای با نهادهای سیاست‌گذار فرهنگی و اجرایی کشور داشته است.

با آغاز به‌کار دولت چهاردهم، شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان عالی‌ترین مرجع سیاست‌گذاری فرهنگی کشور، سه موضوع اولویت‌دار را برای برنامه‌ریزی و اقدام به شورای فرهنگ عمومی کشور واگذار کرد که یکی از مهم‌ترین آن ها، موضوع فرهنگ شهروندی بود؛ شورای فرهنگ عمومی کشور نیز به عنوان بازوی اجرایی سیاست های فرهنگی، تدوین سند جامع این حوزه را در دستورکار قرار داد.

در این میان، اداره توسعه فرهنگ شهروندی شهرداری اصفهان به دلیل سابقه بیش از دو دهه فعالیت مستمر در حوزه آموزش و ترویج فرهنگ شهروندی، تولید محتوای تخصصی، اجرای برنامه های آموزشی گسترده و تألیف کتاب ها و منابع مرجع به عنوان یکی از مهم‌ترین مراجع انتقال تجربه به شورای فرهنگ عمومی کشور انتخاب شد.

برهمین اساس، مجموعه‌ای از نشست های تخصصی با هدف بهره‌گیری از تجربه های مدیریت شهری اصفهان برگزار شد تا دستاوردها، الگوها و تجربه های این شهر در اختیار متولیان حوزه فرهنگ در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و شورای فرهنگ عمومی کشور قرار گیرد و زمینه تدوین سند جامع فرهنگ شهروندی کشور فراهم شود.

در همین راستا، دوم دی سال گذشته یکی از نشست های اصلی شورای فرهنگ عمومی کشور با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، اعضای شورای فرهنگ عمومی، مهدی جمالی‌نژاد استاندار اصفهان، علی قاسم‌زاده شهردار اصفهان و مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان برگزار و ابعاد مختلف تدوین این سند بررسی شد.

در پایان این نشست و با توجه به اهمیت اجرای هماهنگ این سند در سراسر کشور، سازمان شهرداری ها و دهیاری های وزارت کشور به عنوان متولی اصلی ابلاغ و اجرای سند ملی فرهنگ شهروندی انتخاب شد تا با استفاده از ظرفیت ها و تجربه های کلان شهرهای کشور، به ویژه شهرداری اصفهان، فرایند تکمیل، تدوین و اجرای این سند را دنبال کند.

بر اساس برنامه‌ریزی انجام شده، سند ملی فرهنگ شهروندی هم‌اکنون در مراحل نهایی تدوین قرار دارد و پس از تصویب در شورای فرهنگ عمومی کشور، برای اجرا به سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور ابلاغ خواهد شد تا از طریق این سازمان، در اختیار تمام شهرداری ها و دهیاری های کشور قرار گیرد.

تدوین این سند، گامی مهم در ایجاد وحدت رویه در حوزه آموزش و ترویج فرهنگ شهروندی، ارتقای مشارکت اجتماعی، افزایش مسئولیت‌پذیری شهروندان و توسعه فرهنگ زندگی شهری در سراسر کشور به شمار می رود و نقش پیشگامانه شهرداری اصفهان در این فرایند، بار دیگر جایگاه این شهر را به عنوان یکی از الگوهای موفق مدیریت فرهنگی و اجتماعی کشور به نمایش گذاشته است.

" آیت‌الله سید یوسف طباطبایی‌نژاد
" نماینده ولی‌فقیه در استان و امام جمعه اصفهان

قدرت بازدارندگی امروز ایران حاصل ایمان و مجاهدت ۴۷ ساله رهبر شهید است

نماینده ولی‌فقیه در استان و امام جمعه اصفهان با مروری بر ابعاد شخصیت رهبر شهید و تحلیل وضعیت کشور، حضور بی‌سابقه مردم در تشییع ایشان را نشانه‌ای از عزت الهی دانست که در قلب مردم قرار گرفته است.

آیت‌الله سید یوسف طباطبایی‌نژاد با حضور در دویست و بیست و ششمین جلسه علنی شورای اسلامی شهر اصفهان ضمن تسلیت ایام شهادت امام حسین(ع) و گرامیداشت یاد قائد شهید امت و با اشاره به حضور میلیونی مردم در ایران و عراق در تشییع رهبر شهید، این واقعه را در تاریخ معاصر بی‌نظیر دانست و اظهار کرد: اینکه در عراق، کشوری که دشمنان سال ها برای ایجاد نفاق در آن تلاش کردند، بیش از ۱۰ میلیون نفر برای تشییع رهبر انقلاب شرکت کردند، گواه این است که وقتی کسی ایمان به خدا داشته باشد و عمل صالح انجام دهد، خداوند محبت او را در دل بندگانش قرار می‌دهد و این عشق مردم به رهبرشان، یک پدیده الهی است، نه ساخته و پرداخته دستگاه های تبلیغاتی.

او با تحلیل وضعیت اقتصادی کشور و مقایسه آن با کشورهای درگیر جنگ افزود: شرایط گرانی در دوران جنگ و تحریم، پدیده‌ای جهانی است. ما ۴۷ سال است در حال مبارزه با دشمن هستیم؛ با این حال در مقایسه با دوران قبل از انقلاب، پیشرفت های خیره‌کننده‌ای داشته‌ایم. برق کشور از هفت هزار مگاوات در کل ایران به ۹۰ هزار مگاوات رسیده است. امروز ما عدالت را برقرار کردیم و برق را به روستاها و مناطق محرومی بردیم که در گذشته از این امکانات محروم بودند. نماینده ولی‌فقیه در استان و امام جمعه اصفهان گفت: در ابتدای انقلاب، مهندسان ما حتی نمی‌توانستند یک فیلتر هوای هواپیما را که آمریکایی ها نصب می‌کردند، تعویض کنند و هواپیماها زمین‌گیر می‌شدند؛ اما امروز فرزندان این ملت موشک هایی می‌سازند که دشمنان صاحب ناوگان های غول‌آسا را به زانو درآورده است.

آیت‌الله طباطبایی‌نژاد ادامه داد: این موشک ها نه تنها از لحاظ برد و دقت، بلکه از نظر اقتصادی نیز برای دشمنان ما درس‌آموز شده است. ما نه تنها دیواری دفاعی دور کشور کشیدیم که دشمن جرئت حمله زمینی ندارد، بلکه با سلاح های بومی، هیمنه پوشالی ناوهای جنگی را در هم شکستیم. او با بیان اینکه دشمنان همه این سال ها به دنبال یافتن کوچک‌ترین نقطه ضعف در زندگی رهبری بودند و شکست خوردند، تأکید کرد: ۲۹ سال نماینده ایشان بودم؛ اما حتی یک مورد تخلف یا صحبت غیرحکیمانه از ایشان ندیدم. رهبر شهید از چهارده سالگی با شهید نواب همراه بوده است و ساواک همان زمان می‌گفت که سید علی گلوله آتش درست می‌کند. این سیره زندگی ایشان، از زندان و جبهه تا ۳۷ سال مدیریت جامعه اسلامی، الگوی بی‌بدیلی است که در تاریخ اسلام به جز دوران معصومین، کمتر نظیری برای آن وجود دارد.

آیت‌الله طباطبایی‌نژاد درباره جزئیات محل دفن رهبر شهید انقلاب گفت: ایشان به شدت با ایجاد هرگونه اتاق خاص یا ساختمانی که شبیه زیارتگاه جداگانه باشد، مخالف بودند. وقتی به ایشان پیشنهاد شد، تأکید کردند که این کار غلط است. تأکید بر این بود که نباید جایگاهی ساخته شود که عظمت حرم امام رضا(ع) تحت تأثیر قرار گیرد.

او با اشاره به جانشینی حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای خاطرنشان کرد: خداوند را شاکریم که پرچم ولایت همچنان برافراشته است. مواضع و بیانیه های ایشان نشان می‌دهد که همان خط اصیل و حکمت‌آمیز ادامه دارد. ما در سه جنگ بزرگ با آمریکا پیروز بودیم و به کوری چشم دشمنان، این مسیر با قدرت بیشتر و به برکت خون شهدا و هدایت های رهبری ادامه خواهد یافت.

" مهدی قائلی
" مدیر ناژوان شهرداری اصفهان

مخازن پیش‌ساخته ۲۴۰ مترمکعبی ناژوان در آستانه بهره‌برداری است

مدیر ناژوان شهرداری اصفهان از قرارگرفتن پروژه مخازن پیش ساخته پارک میرزاکوچک خان جنگلی در مرحله تحویل‌گیری خبر داد و گفت: این پروژه با هدف تقویت زیرساخت های تأمین و انتقال آب فضای سبز ناژوان با اعتباری نزدیک به ۱۰۰ میلیارد ریال اجرا شده است و تا پایان ماه جاری آماده بهره‌برداری می‌شود.

مهدی قائلی اظهار کرد: این پروژه پس از پایان مراحل اجرایی، وارد فرایند تحویل‌گیری از پیمانکار شده است و پیش‌بینی می‌شود تا پایان ماه جاری آماده بهره‌برداری شود.

او افزود: این پروژه با اجرای سه مخزن ۸۰ مترمکعبی پلی‌اتیلن دفنی و درمجموع با ظرفیت ۲۴۰ مترمکعب آب به عنوان یکی از ریزپروژه های زیرساختی تأمین منابع آب برای انتقال در سطح عرصه، بر اساس طرح جامع آب‌رسانی ناژوان اجرا شد.

مدیر ناژوان شهرداری اصفهان با اشاره به اعتبار پروژه مخازن پیش ساخته ۲۴۰ مترمکعبی پارک میرزاکوچک خان جنگلی خاطرنشان کرد: این پروژه با اعتباری نزدیک به ۱۰۰ میلیارد ریال اجرا شده است.

قائلی با بیان اینکه محل اجرای پروژه در گذشته به عنوان ایستگاه ورزش صبحگاهی در اختیار شهروندان بود، گفت: با تکمیل پروژه با رویکرد محوطه چندمنظوره و اجرای روکش بتن، محوطه به صورت موقت با کارکرد قبلی (ایستگاه ورزشی) در اختیار شهروندان قرار خواهد گرفت.

او خاطرنشان کرد: در ادامه مسیر تکمیل، با اجرای سنگ‌فرش در آینده، این محوطه به عنوان محوطه اسکیت نیز قابل بهره‌برداری خواهد بود.

" جمشید لقایی
" مدیرکل مطالعات و برنامه‌ریزی معاونت حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری اصفهان

هفته سوم تیر با چهار روز هوای ناسالم برای گروه‌های حساس در اصفهان به پایان رسید

مدیرکل مطالعات و برنامه‌ریزی معاونت حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری اصفهان با اشاره به اطلاعات ایستگاه های سنجش آلودگی هوای شهر اصفهان گفت: هفته گذشته (هفته سوم تیر) با ثبت سه روز قابل‌قبول و چهار روز ناسالم برای گروه های حساس با میانگین هفتگی ۱۰۴ (ناسالم برای گروه های حساس) به پایان رسیده است. جمشید لقایی اظهار کرد: درصد آلاینده های مسئول به صورت ساعتی برای کل هفته بیانگر این بود که ذرات معلق PM۲,۵ در بیشتر ساعات و پس از آن O۳ در دیگر ساعات هفته به عنوان آلاینده مسئول شناخته شدند. مدیرکل مطالعات و برنامه‌ریزی معاونت حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری اصفهان خاطرنشان کرد: طی هفته گذشته، کیفیت هوا به ترتیب در سطوح قابل‌قبول و ناسالم برای گروه های حساس قرارگرفت. لقایی با بیان اینکه طی چهار روز هفته کیفیت هوا در سطح ناسالم برای گروه های حساس قرارگرفت، گفت: در هیچ ساعتی مقدار عددی شاخص آلاینده ها در سطح پاک، ناسالم، بسیار ناسالم و خطرناک قرار نگرفت.

" رضا احمدی‌اصل
" مدیر روابط عمومی شرکت نمایشگاه های بین‌المللی استان اصفهان

ششمین نمایشگاه خودروهای کلاسیک و آفرود اصفهان ۲۳ تیر سال جاری برگزار می‌شود

مدیر روابط عمومی شرکت نمایشگاه های بین‌المللی استان اصفهان از برگزاری ششمین نمایشگاه خودروهای کلاسیک، آفرود، سافاری، کمپینگ، تجهیزات و خدمات وابسته از ۲۳ تا ۲۷ تیر در محل دائمی نمایشگاه های بین‌المللی استان اصفهان خبر داد. رضا احمدی‌اصل اظهار کرد: این نمایشگاه یکی از رویدادهای تخصصی و پرمخاطب حوزه خودرو و طبیعت‌گردی در کشور به شمار می رود که هر سال با استقبال گسترده مجموعه داران، علاقه‌مندان خودروهای خاص، فعالان حوزه آفرود و کمپینگ و خانواده ها همراه است. مدیر روابط عمومی شرکت نمایشگاه های بین‌المللی استان اصفهان ادامه داد: علاقه‌مندان می‌توانند در مدت برگزاری نمایشگاه، همه روزه از ساعت ۱۶ تا ۲۲ از این رویداد بازدید کنند. احمدی‌اصل تصریح کرد: در این نمایشگاه، مجموعه‌ای متنوع از خودروهای کلاسیک، خودروهای آفرود و سافاری، کمپرها، کاروان های مسافرتی، تجهیزات سفر، کمپینگ و خدمات وابسته در معرض دید بازدیدکنندگان قرار خواهد گرفت. او خاطرنشان کرد: شرکت نمایشگاه های بین‌المللی استان اصفهان همواره تلاش کرده است با برگزاری رویدادهای تخصصی، زمینه معرفی ظرفیت های فعالان این حوزه، توسعه فرهنگ گردشگری، طبیعت‌گردی و ایجاد تعامل میان فعالان صنعت خودرو را فراهم کند.

esfahan ziba online .ir
اصفهان زیبا
شماره ۵۴۱۰
۱۴۰۵/۰۴/۲۲
دوشنبه
دبیر صفحه/ الهه‌السادات بدیع‌زادگان
ویراستار/ عذرا دیانی

ثار و انتظار هویت جمعی شیعه

بررسی مفهوم ثار، انتقام و خون‌خواهی در گفتمان تشیع

الهه‌السادات بدیع‌زادگان
دبیر صفحه اندیشه

«ثار» در گفتمان شیعی، فراتر از یک واژه تاریخی، مفهومی بنیادین در فلسفه سیاسی است. اوج ظهور این اصطلاح در واقعه عاشورا بود که به نیرویی محرک برای عدالت‌خواهی مادام‌العمر شیعه تبدیل شد؛ اما چرا با وجود کشته‌شدن قاتلان کربلا، فریاد «یا لثارات الحسین» خاموش نشد؟ انتقام و خون‌خواهی چه جایگاهی در مکتب تشیع دارد؟ آیا فرهنگ ثار با زمینه‌سازی مفهوم «انتظار منجی منتقم» مرتبط است؟ براین‌اساس، «اصفهان‌زیبا» گفت‌وگویی را با امیر احمدنژاد، عضو هیئت‌علمی دانشکده علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، ترتیب داده است تا به واکاوی بیشتر این مباحث بپردازد.

■ واژه ثار به چه معنی است و در نهضت حسینی چه جایگاهی دارد؟

ثار رکن هویت جمعی شیعی در واقعه عظیم کربلا و سبب زنده نگه داشته شدن قیام عاشوراست. «ثار» به معنای خون و البته جنبه معنوی خون است و در معنای انتقام و خون‌خواهی نیز بسیار به‌کار می‌رود. معانی مختلفی برای «ثار» گفته شده، اما آنچه در این گفت‌وگو مدنظر بوده، جهت‌دهی ثار به مسیر حرکت شیعه است که نشان می‌دهد چرا شیعیان همواره حادثه عاشورا را در کانون توجه داشته‌اند. اگر بخواهیم چند وجه مشترک میان همه فرق شیعه نام ببریم، سیدالشهدا(ع) یکی از وجوه اصلی این مکتب است. شیعه زیدی، اسماعیلی، فتحی و ده‌ها فرقه شیعه دیگر که از بسیاری از آن‌ها امروز نامی هم باقی نمانده، همگی در یک محور اشتراک دارند و آن، ثار، خون حسین‌بن‌علی(ع) و تلاش برای خون‌خواهی اوست. پرسش این است که چرا این مسئله تا این اندازه در میان فرق شیعه برجسته است؟ چرا در شاخه اصلی شیعیان که دوام بیشتری آورده و از بحران‌ها، بهتر عبور کرده، یعنی شیعه دوازده‌امامی، ائمه تا این اندازه بر نمادهای مربوط به عاشورا تأکید داشته‌اند؟ چرا زیارت سیدالشهدا(ع) این‌قدر اهمیت دارد؟ مگر ما حرم امیرالمؤمنین(ع) را در نجف نداریم؟ مگر حرم رسول‌الله(ص) را در مدینه نداریم؟ مگر سایر مشاهد مشرفه را نداریم؟ اما محور اصلی تأکیدهای اهل‌بیت(ع) برای زیارت، کربلاست. تاریخ فراموش نخواهد کرد وقتی در دوران خلفای عباسی، تصمیم گرفتند هوشمندانه‌ترین ضربه را به مهم‌ترین پایگاه هویتی شیعیان وارد کنند و زیارت قبر امام حسین(ع) برای همیشه فراموش شود، چگونه با شکستی بزرگ مواجه شدند؛ چراکه خون حسین همیشه زنده و جاری است. عباسیان این حرم شریف را تخریب کردند؛ چنانکه متوکل حتی دستور شخم‌زدن و کشاورزی در آنجا را صادر کرد؛ اما شیعیان هزینه‌های سنگینی داده، هزینه‌های جانی فراوانی متحمل شده و شهدای بسیاری تقدیم کردند و نهایتا این مکان را زنده نگه داشتند و آن را احیا کردند. تربتِ سیدالشهدا(ع) در فرهنگِ شیعی چه ارزشی دارد؟ نشستن و دورهم‌آمدن به نام حسین‌بن‌علی(ع) و نام‌گذاری کودکان به این نام، چه اهمیتی دارد؟ این‌ها همه نشان‌دهنده زنده‌نگه‌داشتن همان «ثار» است.

■ چگونه مفهوم ثار و خون‌خواهی درگذار از ساختار قبیله‌ای عرب جاهلیت به جامعه اسلامی، از یک رسم خونی صرف، به مفهومی ایدئولوژیک تبدیل شد؟

اصطلاح «ثار» در دوره جاهلیت نیز وجود داشته است و ما با آن مواجه هستیم. آقای جواد علی، متفکر بزرگ عراقی، کتابی بسیار مهم، در ۱۰ جلد به نام «المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام» دارد. او در این اثر، فصلی را به مفهوم «ثار» اختصاص داد و بر اهمیت آن برای عرب‌های پیشااسلام تأکید کرد. ساختار مدیریتی و اجتماعی عربستان به‌گونه‌ای بود که حکومت مرکزی وجود نداشت و قبیله‌ها مستقل بودند. تنها چیزی که می‌توانست این قبیله‌ها را حفظ کند، همین مفهوم «ثار» بود؛ قبیله‌ای که موردتهاجم واقع می‌شد، تمام زندگی روزمره‌اش را تعطیل می‌کرد تا خون‌خواهی کند و انتقام «ثار» را بگیرد. این مفهوم، محور زندگی بود؛ کوچک و بزرگ، ضعیف و قوی در آن راه نداشت. بزرگ‌ترین ننگ برای یک عرب در جامعه عربستان این بود که به او گفته شود: «تو از گرفتن انتقام ناتوانی و تو نتوانستی "ثار" را احیا کنی». در آن سرزمین حتی زنان قبیله، تا قبل از انتقام، بر کشته‌های خود قطره اشکی نمی‌ریختند و معتقد بودند که گریه‌کردن، پس از گرفتن انتقام است. مردان، خضاب نمی‌کردند؛ عطر نمی‌زدند و در بستر معمول خود نمی‌خوابیدند و هرلحظه، شب و روز، به فکر انتقام بودند. بحث فقط این نبود که یک نفر را بکشند و قصاص کنند؛ بلکه آن‌ها هم‌پایه ارزش فرد کشته‌شده، خون‌خواهی می‌کردند. گاه به اندازه ۱۰ نفر و گاه، کل قبیله مهاجم را نابود می‌کردند.

پس از ظهور اسلام، سعی پیامبر(ص) بر آن بود که آداب و ارزش‌های فرهنگی پیش از اسلام را مشروط می‌پذیرفت و آن‌ها را در ظرف مفاهیم بنیادین اسلامی، مانند عدالت، معنویت و اخلاق، بازتعریف کرده و بر پایه آن‌ها، هویت و مفهوم جدیدی بنا می‌کرد. قرآن، باوجوداینکه از «قصاص» به‌عنوان یک حق حقوقی میان دو نفر حمایت می‌کند و نام «ثار» را به‌کار می‌برد، آن را محدود می‌سازد و می‌فرماید: یک نفر در مقابل یک نفر یا حتی به‌طورِ محدودتر، مثلا چشم در برابر چشم یا مانند آن. قرآن ضمن اینکه قصاص را محدود می‌کند، در همان جا نیز بر بخش «گذشت» و «عفو» تأکید دارد و مفهوم انتقام را به این‌سو می‌برد که آن را از چهارچوب قبیله‌ای خارج کند و به نهاد حقوقی جامعه بسپارد. اولیای دم، به‌عنوان یک حق با آن برخورد می‌کنند و بخشش را به‌عنوان یک فضیلت در کنار آن قرار می‌دهند.

در دوران پس از اسلام نیز دو اتفاقِ بزرگ داریم که با عنوانِ «ثار» زنده شده‌اند: یکی، قتل عثمان بود که پس‌ازآن، فریاد «یا ثاراتِ عُثمان» سر داده شد و برای انتقام خون عثمان، قیام و حرکتی شکل گرفت؛ دیگری، شهادت سیدالشهدا(ع) بود که بار دیگر فریاد «یا لَثاراتِ الحسین» برخاست و خون‌خواهیِ امام حسین(ع) به‌عنوان محور اصلی حرکت جمعی شیعیان آغاز شد؛ اما این «ثار»، تفاوت چشمگیری با خون‌خواهی‌های دوران جاهلیت و حتی با خون‌خواهی عثمان دارد که بسیار تأمل‌برانگیز است. توجه کنید که عثمان چرا کشته شد؟ عثمان، حاکم مسلمانان بود که به‌خاطر عدم رعایت عدالت کشته شد. او بی‌عدالتی‌های فراوان انجام می‌داد؛ مثلا در یک نوبت کل خراج آفریقا را یکجا به دخترش بخشید. گروه زیادی از مردم مصر و دیگر بلاد معترض شدند و این اعتراض‌ها، به قتل او انجامید؛ یعنی یک حاکم اسلامی، به‌خاطر زیرپاگذاشتن عدالت، به قتل رسید؛ در ادامه نیز بنی‌امیه برای استمرار ویژه‌خواری خود که در دورهٔ عثمان به آن خو گرفته بودند، فریاد خون‌خواهی عثمان را سر دادند. محور تحریک این جریان هم معاویه بود.

اما حسین‌بن‌علی(ع) برای چه کشته شد و به شهادت رسید؟ چرا شیعیان خون‌خواه او هستند؟ حسین(ع) در این واقعه در جایگاه حاکم نیست؛ بلکه در جایگاه معترض به حاکمیت قرار دارد. وقتی حاکمیت، سنت پیامبر(ص) را مسخ کرده، عدالت را زیر پا گذاشته و بر پایه ظلم حرکت می‌کند، حسین(ع) قیام می‌کند؛ یعنی حسین(ع)، برخلاف عثمان که نماد سرکوب عدالت بود، نماد عدالت‌خواهی است. خون‌خواهی حسین(ع) در فرهنگ شیعی، به معنای حمایت از عدالت و دستیابی به آن است. ثار مطالبه جهت بنیادین امام حسین(ع)، برای برپایی عدالت است. شایان توجه است؛ پس‌ازآنکه خون‌خواهی فیزیکی امام(ع) به‌طور کامل اتفاق افتاد و تمام قاتلان امام حسین(ع) کشته شدند و دولت بنی‌امیه سرنگون شد، آیا خون‌خواهی امام حسین(ع) تمام شد و به پایان رسید؟ البته که پاسخ منفی است و سال به سال و قرن به قرن، این فریاد «یا لَثاراتِ الحسین» بلندتر می‌شود. چرا؟ چون مفهوم و محور آن، «عدالت‌خواهی» است. این مفهوم، پیوسته این روایت را زنده می‌کند و آن را به مفهوم بنیادین دیگر از تشیع که همان انتظار است، پیوند می‌زند. یعنی شیعیان، همواره به‌دنبال «ثار امام حسین(ع)» هستند و در انتظار ظهور آن‌کسی به‌سر می‌برند که خون‌خواهی نهایی را به‌عهده دارد. روایت مسلمانان برای ظهور منجی، این است که مهدی(عج) خواهد آمد تا زمین را از قسط و عدل پر کند. آرزوی شیعیان، همواره پرشدن زمین از عدل‌وداد است و با این اندیشه زندگی می‌کنند. البته این مسئله فرازونشیب‌های زیادی داشته؛ گاه در دوره‌ای، ماهیت عدالت‌خواهی سیدالشهدا(ع) کم‌رنگ و زمانی پررنگ شده است، اما عدالت‌طلبی همواره عامل زنده‌ماندن هویت شیعی و این جریان مهم و ثمربخش در دنیای اسلام بوده است.

■ کدام ویژگی ذاتی واقعه کربلا آن را به روایتی اساسی برای تعریف هویت شیعی تبدیل کرده است؟

موضوع عاشورا به‌گونه‌ای است که در حافظه جمعی شیعه محفوظ و ماندگار مانده. مفهوم هویت جمعی، پاسخ پرسش «من کیستم؟» است. وقتی می‌پرسیم «من کیستم؟»، معمولا ویژگی‌های فردی به ذهنمان می‌آید: چه اخلاقیاتی دارم، چه چهره‌ای دارم، چه ویژگی‌های جسمانی‌ای دارم، پدر و مادرم چه کسانی هستند، نهایتا محل زندگی‌ام و شهرم کجاست؛ اما بالاتر از این‌ها، بخش مهمی از هویت ما را «هویت جمعی» شکل می‌دهد؛ درواقع، به‌عنوان یک جمع، «کیستیم»؟ ارزش‌های اساسی ما چیست؟ چه ویژگی‌هایی ما را از سایر جمع‌ها جدا می‌کند؟

در طول تاریخ، جوامعی که پایدارتر مانده‌اند، جوامعی هستند که هویت جمعی قوی‌تری دارند و آن را زنده نگه می‌دارند و در گذر زمان، به‌خوبی از آن محافظت می‌کنند. اگر هویت جمعی آسیب ببیند، هرچند گروه‌های انسانی ممکن است در جای خود باقی بمانند، آن جامعه دیگر در مسیر تکامل نخواهد بود و به وجودی بی‌هویت و مکانیکی تبدیل می‌شود که با کوچک‌ترین فشار و ناملایمتی از میان می‌رود. جوامعی که در برابرِ بحران‌ها، سختی‌ها و مشکلات تاب می‌آورند، یعنی روایت بنیادین جدی از خود دارند و حافظه جمعیِ مشترکی میانشان وجود دارد که آن‌ها را نگه می‌دارد و این‌ها بسیار ارزشمند و مهم‌اند. از دیرباز، وجه ممیّز جوامع مسلمانان، درواقع همین هویت جمعی است که برای خود، وجوه خاصی را تعریف کرده و بر بنیان‌های ویژه‌ای تکیه می‌کند؛ بنیان‌هایی چون امامت، ولایت، عدالت، انتظار و... و شاید بتوان گفت که مهم‌ترین ستون این هویت جمعی، «عاشورا» و حادثه «کربلا»ست. عاشورا، قسمت مهم و بلکه بخش اصلی روایتی است که ما از خودمان به‌عنوان شیعه تصور می‌کنیم. به مفاهیمی بیندیشید که در ذات فرهنگ عاشورایی وجود دارد و الهام می‌بخشد؛ آن چیزهایی که حتی در لایه‌های پنهان و ناآگاه ما جای گرفته است؛ مثلا عاشورا به ما می‌آموزد که حق، لزوما با اکثریت نیست. بسیاری مواقع، یک گروه کوچک می‌توانند محق باشند و حق را بشناسند؛ همچنین، عاشورا به ما می‌آموزد که فداکاری‌کردن و از خود و خانواده گذشتن برای حق، ارزشمند است. این آموزه‌ها در فرهنگ، وجود و روایت بنیادین ما ریشه دوانده است. ممکن است در برخی فرهنگ‌ها، فداکاری برای حقیقت و عدالت، کاری نابخردانه به‌شمار آید؛ اما در روایت بنیادینی که ما از خودمان و هویت جمعی‌مان داریم، بزرگ‌ترین ارزش، عدالت و حقیقت است. آیا عزیزانمان را نیز به‌خاطر این ارزش بنیادین، به خطر می‌اندازیم؟ عاشورا به ما پاسخ می‌دهد: «بله». اگر زمینه فراهم شود که حقیقت، راهی برای حمایت نداشته باشد و اگر این اقدام را نکنی، به حقیقت آسیب واردشده و پوشانده می‌شود، سزاوار است و گاهی حتی بایسته است که خود و عزیزانت را فدا کنی. در روایت بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای که مشتمل بر وصیت امام حسین(ع) به برادر ارجمندشان، محمد حنفیه است، سیدالشهدا اهداف قیامشان را تبیین کردند و فرمودند که برای خوش‌گذرانی و اشرافی‌گری و از روی ظلم و ستم قیام نکردند؛ بلکه هدف، اصلاح امت جدشان بوده است.

■ آیا هویت ایرانی از هویت شیعی مستقل و جداست یا اینکه در تعاملی سازنده به هویتی واحد مبدل شده؟

وقتی از یک جامعه سخن می‌گوییم، می‌توان از زاویه‌های مختلف به ابعاد گوناگون آن جمع نگاه کرد؛ اما در هویت جمعی نمی‌توان تفکیک دقیقی برای زوایای نگاه قائل شد. برخی تفکیک می‌کنند و می‌گویند: «هویت ایرانی»، «هویت شیعی»، «هویت...»؛ این‌گونه تقسیم‌بندی‌ها ازنظر علمی درست نیست. هویت شیعی و حافظه جمعی شیعی، بخشی مهم و انکارناپذیر از همان هویت جمعی بوده که یکی از ارکان آن، اسطوره‌های ایرانی است. وقتی عنصری به حافظه جمعی، به‌عنوان بخشی از فرهنگ وارد می‌شود، هویت جمعی آن عنصر را شکل می‌دهد و آن را جزئی از فرهنگ خود قرار می‌دهد و بر پایه آن حرکت می‌کند، پیش می‌رود و در بحران‌ها، خود را بازسازی می‌کند.

■ در انتهای گفت‌وگو و به‌عنوان نتیجه تحلیل‌های فوق، مقصود از ثارالله در برخی زیارت‌های واردشده برای حضرت سیدالشهدا(ع) را تبیین کنید؟

بله، نکته مهمی است. درباره این خون‌خواهی که تعبیر دیگر آن، عدالت‌خواهی است، این نکته هم حائز اهمیت بوده که در فرهنگ شیعی حسین(ع)، «ثارالله» خوانده شده است. درباره ثارالله تعابیر و تفاسیر مختلفی مطرح و حداقل پنج معنا برای آن گفته شده است؛ اما اجمالا مهم‌ترین تفسیر برای این عبارت می‌تواند این باشد که خداوند «خون‌خواه» و «ولی دم» امام حسین(ع) است؛ خون‌خواهی امام نیز به معنای زنده‌شدن تمامی ارزش‌های الهی است که امام جان خود را برای احیای آن‌ها فدا کرد. به‌عبارت‌دیگر، خون‌خواهی، بحثی شخصی، خانوادگی، قومیتی و مذهبی نیست. خداوند خون‌خواه خون شهید کربلاست. بحث خون‌خواهی امام با کشتن کسی محقق نمی‌شود؛ بلکه زنده‌کردن آرمان‌های حسینی که همان ارزش‌های قرآنی است، به معنی خون‌خواهی امام خواهد بود؛ درواقع انتقام خون امام و خون همهٔ شهیدان مسیر حق و عدالت، در برپایی عدالت در سراسر عالم محقق خواهد شد.

esfahan ziba online .ir

اصفهان زیبا

شماره ۵۴۱۰

۱۴۰۵ / ۰۴ / ۲۲

دوشنبه

ویراستار و دبیر صفحه
فاطمه رجب‌زاده

نوجوان باید بار انقلاب را به دوش بگیرد

گزارشی از اجرای طرح تربیتی بنیاد برکت در اصفهان و تلاش برای تبدیل نوجوانان به کنشگران فرهنگی و اجتماعی

فاطمه رجب‌زاده
دبیر صفحه فرهنگ عمومی

سال‌ها است نام بنیاد برکت با مدرسه‌سازی، ایجاد اشتغال، توسعه زیرساخت‌ها و محرومیت‌زدایی در مناطق کم‌برخوردار گره خورده است؛ اما در سال‌های اخیر این بنیاد، در کنار مأموریت‌های عمرانی و اقتصادی خود، به حوزه‌ای ورود کرده که شاید کمتر از سایر فعالیت‌هایش درباره آن سخن گفته شده باشد؛ «تربیت نوجوانان». رویکردی که بر این باور استوار است که محرومیت، تنها با ساخت مدرسه، ایجاد شغل یا توسعه زیرساخت‌ها از بین نمی‌رود، بلکه هر منطقه برای رسیدن به توسعه پایدار، به نیروی انسانی توانمند، مسئولیت‌پذیر و دارای هویت اجتماعی نیز نیاز دارد.

بر همین اساس، بنیاد برکت با راه‌اندازی «قرارگاه تربیت» تلاش کرده در تعامل با مجموعه‌های فرهنگی، به توانمندی مربیان و نوجوانان فرهنگی بپردازد؛ نوجوانانی که قرار است تنها مخاطب برنامه‌های فرهنگی نباشند، بلکه خود به بازیگران اصلی عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی محله‌هایشان تبدیل شوند. در این الگو، به جای ایجاد ساختارهای جدید، ظرفیت گروه‌های مردمی تقویت می‌شود تا با اتکا به تجربه میدانی و شناخت بومی، بتوانند نسل تازه‌ای از کنشگران نوجوان را تربیت کنند.

استان اصفهان یکی از نخستین استان‌هایی است که اجرای این طرح را آغاز کرده و امروز به عنوان یکی از استان‌های الگوی قرارگاه تربیت شناخته می‌شود. در این گفت‌وگو با محمد پناهی دبیر قرارگاه تربیت بنیاد برکت در استان اصفهان، از چرایی ورود بنیاد برکت به عرصه تربیت، شکل‌گیری قرارگاه تربیت، تجربه‌های میدانی آن در اصفهان و ماحصل کارشان در یک سال اخیر صحبت کرده‌ایم.

اگر موافق باشید برای انسجام بحث، مجددا توضیحی راجع به مؤسسه «رهپویان طریق غدیر» که در شماره پیشین به آن پرداختیم، بدهید و بعد به این بپردازیم که چطور زمینه همکاری مؤسسه با بنیاد برکت امام خمینی فراهم شد؟

مؤسسه «رهپویان طریق غدیر» با هدف تولید و طراحی محتواهای تربیتی و توانمندسازی مربیان و والدین، ۱۲ سال پیش فعالیت خود را آغاز کرد و تا امروز نیز این مسیر را ادامه داده است. همچنین شبکه‌ای از مربیان را در سطح کشور، به‌ویژه در استان اصفهان، شکل داده و این شبکه را با محتواهای مرتبط با خانواده و دانش‌آموزان پشتیبانی می‌کند. این توضیح خلاصه‌ای از فعالیت‌های مجموعه بود. اما در ادامه به تدریج احساس کردیم که لازم است حضور عملیاتی‌تری در میدان داشته باشیم و ارتباط نزدیک‌تری با نوجوانان برقرار کنیم؛ چراکه گاهی کمبود توانمندی برخی مربیان یا حتی مسائل مالی باعث می‌شد مجموعه‌های هدف‌مان نتوانند آن‌گونه که باید فعالیت کنند. این شرایط، نیاز به حمایت، پیگیری و ورود بیشتر را نشان می‌داد. از سوی دیگر، احساس می‌شد با وجود همه فعالیت‌های نوجوانانه‌ای که در مجموعه‌ها انجام می‌شود، بازتاب و نمود اجتماعی کافی وجود ندارد. از این جهت لازم بود این فعالیت‌ها در مدارس، محلات و مناطق مختلف استان بیشتر دیده شوند و برای تحقق این هدف نیز پشتیبانی گسترده‌تری از مجموعه‌ها صورت گیرد.

با چنین دغدغه‌ای به این نتیجه رسیدیم که باید جبهه‌ای از نوجوانان انقلابی شکل بگیرد؛ ما آن‌ها را پیدا کنیم و آن‌ها نیز ما را پیدا کنند. سپس این جبهه را به تدریج تقویت کنیم، عملکردها را سازمان‌یافته‌تر پیش ببریم و در نهایت بتوانیم در سطح استان شاهد اتفاقات مؤثرتری در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی، به دست همین نوجوانان، باشیم

دغدغه‌ای که بابت شناخت نوجوانان داشتید با فعالیت مجموعه‌هایی مثل جبهه فرهنگی انقلاب مرتفع نمی‌شد؟

مجموعه‌هایی مانند جبهه فرهنگی به صورت تخصصی بر برنامه‌های نوجوانانه تمرکز ندارند. بیشتر، متمرکز بر فعالیت‌های فرهنگی همچون اجرای مراسم، مواکب و برنامه‌های فرهنگی هستند تا فعالیت تربیتی. به همین دلیل خودمان به صورت مردمی، نقش حلقه میانی میان مجموعه‌های تربیتی و نهادها و سازمان‌ها را بر عهده گرفتیم. البته به واسطه دوره‌های آموزشی که در مؤسسه رهپویان طریق غدیر برگزار کرده بودیم، بسیاری از مجموعه‌ها را می‌شناختیم. اما احساس می‌کردیم باید حضور پررنگ‌تر و مؤثرتری در همین مجموعه‌ها داشته باشیم؛ چراکه در عمل، این مجموعه‌ها با وجود محتوای یکسانی که به آن‌ها می‌دادیم، توان یکسانی نداشتند. برخی قوی‌تر بودند و برخی ضعیف‌تر. بسیاری از آن‌ها نمی‌توانستند محتوا را به درستی اجرا کنند، ارتباط مطلوبی با نوجوانان بگیرند یا میدان لازم را در اختیار آن‌ها قرار دهند. در نتیجه، آن حرکت و اثرگذاری اجتماعی که انتظار داشتیم از طریق نوجوانان در سطح استان شکل بگیرد، محقق نمی‌شد.

می‌خواستید این شبکه‌سازی چطور به فعالیت‌های میدانی ختم شود؟

ما بارها تأکیدهای مقام معظم رهبری و همچنین شهید رئیسی را درباره نقش نوجوانان در انقلاب و دفاع مقدس می‌شنیدیم. همواره گفته می‌شد که بخش مهمی از بار انقلاب و حتی جنگ هشت‌ساله بر دوش نوجوانان بوده است. بنابراین باید به سمتی حرکت می‌کردیم که بار انقلاب را دوباره بر دوش نوجوانان قرار دهیم، نه اینکه صرفا برای آن‌ها کلاس، اردو یا خدمات برگزار کنیم، اما فرصت نقش‌آفرینی و کنشگری اجتماعی در اختیارشان نگذاریم. به همین دلیل به دنبال راهی بودیم که جبهه‌ای از نوجوانان تشکیل دهیم و شبکه‌ای را که از طریق آموزش مربیان شکل گرفته بود، فعال‌تر و منسجم‌تر کنیم. در همین مقطع با ستاد اجرایی فرمان امام و بنیاد برکت آشنا شدیم. دوستان در بنیاد برکت طرحی را به ما پیشنهاد دادند و قرار شد «قرارگاه تربیت» راه‌اندازی شود. بر این اساس قرار شد مدیریت این طرح در استان اصفهان با بنده باشد و در ضمن حفظ استقلال طرح، موسسه رهپویان طریق غدیر هم به بعد محتوایی آن کمک‌کننده باشد.

بنیاد برکت اساسا با مأموریت محرومیت‌زدایی شناخته می‌شود. چه شد که به حوزه تربیت نوجوانان وارد شد؟

در جلساتی که بنیاد برکت برگزار کرد، این بحث مطرح شد که همان‌طور که ساخت مدرسه، ایجاد اشتغال، تأمین مسکن یا زیرساخت‌های عمرانی بخشی از محرومیت‌زدایی است، تربیت نیروی انسانی نیز یکی از مهم‌ترین ابعاد محرومیت‌زدایی محسوب می‌شود. این موضوع مطرح شد که اگر در کنار این خدمات، نیروی انسانی کارآمد تربیت نشود، این محله‌ها تا سال‌ها همچنان نیازمند حمایت خواهند بود و وابستگی آن‌ها ادامه پیدا می‌کند. در مقابل، اگر نوجوانانی تربیت شوند که بتوانند در آینده مسائل محله خود را حل کنند، پس از چند سال آن منطقه به مرحله‌ای از خوداتکایی می‌رسد و بنیاد برکت می‌تواند ظرفیت خود را به مناطق دیگر منتقل کند. با همین نگاه بود که ایده تشکیل قرارگاه تربیت شکل گرفت و در نهایت از اواخر سال ۱۴۰۳، با برگزاری جلسات متعدد و ارائه طرح‌های مختلف، این قرارگاه به صورت رسمی فعالیت خود را آغاز کرد.

این ایده تربیتی با چه چشم‌انداز مشخصی فعالیتش را شروع کرد؟

هدف قرارگاه تربیت، ایجاد و احیای شبکه‌ای از مربیان، درگیر کردن نوجوانان و شناسایی هسته‌های فعال در هر استان است. به این شکل که در هر استان نوجوان هسته سخت مجموعه‌های فرهنگی را شناسایی کنیم، آن‌ها را در قالب یک جبهه سازمان‌دهی کنیم و متناسب با مناسبت‌ها و عملیات‌های مختلف، مأموریت‌های مشترکی برای آن‌ها تعریف شود. چنین فعالیت‌هایی در کنار بازتاب رسانه‌ای، موجب می‌شود نوجوانان بیشتری جذب شوند و این بچه‌ها نیز هویت جمعی پیدا کنند. در نتیجه چنین نگاهی، با امکانات و تسهیلاتی که بنیاد برکت برای اجرای برنامه‌ها فراهم می‌کند و در کنار محتوای تربیتی مؤسسه شاهد عملکرد خوبی از قرارگاه تربیت هستیم.

شما اهداف را توضیح دادید، به طور مصداقی هم توضیح دهید که فعالیت‌ها چطور آغاز شده و پیش رفته است؟

در مرحله اول سال ۱۴۰۴، ۶۰ نفر از مربیان خانم و آقا که در مجموعه‌های فرهنگی اصفهان مشغول به فعالیت بودند را به مشهد اعزام کردیم. در این سفر، مربیان علاوه بر شرکت در دوره‌های آموزشی، فرصت آشنایی با یکدیگر را پیدا کردند. بسیاری از آن‌ها از شهرستان‌های مختلف استان مانند خمینی‌شهر، نجف‌آباد، زینبیه، مناطق مختلف شهر اصفهان و دیگر نقاط استان آمده بودند و برای نخستین بار با ظرفیت‌های یکدیگر آشنا می‌شدند. این آشنایی و شبکه‌سازی، نقطه آغاز فعالیت‌های مشترک بود. پس از آن «همایش نهضت نوجوانان اربعین حسینی» را برگزار کردیم؛ برنامه‌ای که امسال نیز برگزار خواهد شد و حدود ۱۰۰۰ نوجوان در آن حضور پیدا می‌کنند. در ادامه این تعامل‌ها، برای نخستین بار توانستیم نوجوانانِ هسته سخت مجموعه‌ها را، یعنی همان بچه‌هایی که بازوی اصلی مربیان خود بودند، به پیاده‌روی اربعین اعزام کنیم. در آن سفر، نوجوانان با امام حسین(ع) عهد بستند که در هر جای دنیا باشند، خادم اهل‌بیت(ع) باقی بمانند و پس از بازگشت نیز همین روحیه خدمت را در محله‌ها و مجموعه‌های خود ادامه دهند.

پس از اربعین، اردوهای جهادی آغاز شد. نوجوانانی که در اربعین حضور داشتند، به همراه گروهی از نوجوانان جدید، در اردوهای جهادی شرکت کردند. این اردوها در روستاهای سمیرم و چادگان برگزار شد. حدود ۵۰۰ دختر و بیش از ۲۰۰ پسر در این اردوها حضور داشتند. گروه‌ها به صورت نوبتی، سه یا چهار روز در محل اردو فعالیت می‌کردند و سپس جای خود را به گروه بعدی می‌دادند تا پروژه‌ها تکمیل شود؛ زیرا بسیاری از مدارس محل اردو، ساختمان‌های بزرگ، دوطبقه و فرسوده بودند و نیاز به کار گسترده داشتند. نکته جالب این بود که نوجوانانی که پیش از این در اربعین حضور یافته بودند، به دلیل تجربه سختی‌ها و فضای معنوی آن سفر، در اردوهای جهادی عملکرد بسیار بهتری داشتند. از نظر روحیه مسئولیت‌پذیری و آمادگی، یک سر و گردن از نیروهای جدید بالاتر بودند و این رشد به وضوح قابل مشاهده بود.

بعد از اردوهای جهادی، عملیات‌های ایام فاطمیه را آغاز کردیم و به تدریج تعداد نوجهادی‌ها به حدود ۵۰۰ نفر رسید. این ۵۰۰ نفر در واقع هسته سخت مجموعه‌های مختلف بودند؛ نوجوانانی که در اردوهای جهادی، اربعین، همایش‌ها، برنامه‌های دهه فاطمیه، محرم و دیگر برنامه‌ها آن‌ها را به‌خوبی شناسایی کرده بودیم. برای این نوجوانان برنامه اعتکاف نیز برگزار کردیم و پس از آن، همین جمع را به مشهد اعزام کردیم.

نکته مهم این است که تمام این اتفاقاتی که قرارگاه تربیت بنیاد برکت رقم می‌زد، مبتنی بر یک محتوای تربیتی است. برای مثال، در اردوهای جهادی، محتوای شبانه و روزانه بچه‌ها توسط مؤسسه تهیه می‌شد. مربیان برای فعالیت‌های روزانه محتوا دریافت می‌کردند و برای شب‌ها نیز بسته‌های محتوایی ویژه‌ای در اختیارشان قرار می‌گرفت تا در زمان استراحت، دورهمی‌ها و شب‌نشینی‌ها، فرصت گفت‌وگو و تربیت را از دست ندهند. یعنی این‌طور نبوده که صرفا یک سری فعالیت‌های میدانی داشته باشیم، بلکه محتوای تربیتی موسسه رهپویان طریق غدیر هم به کار پیوست می‌شد.

فعالیت‌های شهری نوجوانان چه بوده است؟

نتیجه این روند که در طول یک سال مجموعه‌ای از برنامه‌ها را اجرا کردیم، شکل‌گیری یک مجموعه منسجم بود. هم مربیان رشد کرده بودند و هم نوجوانان. مربی‌ای که تا قبل از این امکان بردن نوجوانان به مشهد یا اربعین را نداشت، حالا این تجربه را به دست آورده بود. مربی‌ای که شاید هیچ‌گاه اعتکاف برگزار نمی‌کرد، حالا توان اجرای چنین برنامه‌هایی را پیدا کرده بود. از طرف دیگر، نوجوانانی که تا پیش از آن فقط بچه‌های محله خودشان را می‌شناختند، حالا با نوجوانان محله‌ها و شهرهای دیگر ارتباط گرفته بودند. این ارتباط هم به صورت حضوری و هم در فضای مجازی ادامه پیدا کرد. از یکدیگر ایده می‌گرفتند، وارد یک رقابت مثبت فرهنگی شده بودند و برای جذب هم‌سن‌وسال‌های خود، برگزاری مراسم مناسبتی و فعالیت‌های تربیتی تلاش می‌کردند.

برای نمونه، در ایام جنگ، همین نوجهادی‌ها حدود ۵۰ موکب در سطح استان برپا کردند. در ایام غدیر نیز ۳۰ موکب توسط همین نوجوانان راه‌اندازی شد؛ موکب‌هایی که از ابتدا تا انتها، همه مراحل آن توسط خود نوجوانان انجام می‌شد؛ از ایده‌پردازی گرفته تا طراحی دکور، انتخاب هدیه، برنامه‌ریزی برای اطعام و اجرای برنامه‌ها. البته بنیاد برکت هم از کار حمایت می‌کرد. مثلا با تهیه غذا و تحویل به نوجوانان تا در موکب میان مردم توزیع کنند. یا تهیه بسته‌های هدیه‌ای برای دختران و پسران تا نوجوانان بتوانند در مسابقات و بازی‌هایی که خودشان طراحی و اجرا کرده بودند، به برندگان جایزه بدهند.

در گفت‌وگوی قبلی اشاره کردید که با وجود تعداد زیاد مراکز فرهنگی در کشور، تنها حدود ۴ درصد نوجوانان با این مراکز ارتباط دارند و بخش عمده نوجوانان عملا خارج از این فضا هستند. الان هم مطابق با آماری که بیان شد، کمتر از ۱۰۰۰ نوجوان اصفهانی در تعامل با این طرح هستند. سؤال من این است که اگر نگاه، صرفا توانمندسازی همین تعداد نوجوان باشد، می‌توان امیدوار بود که همین نیروهای محدود، اثرگذاری خود را داشته باشند. اما اگر هدف، ایجاد یک جریان گسترده در سطح کشور است، آیا این مسیر پاسخگو خواهد بود؟ حتی اگر هر سال چند صد نوجوان به این شبکه اضافه شوند، در مقیاس کل جامعه نوجوانان رقم بزرگی نخواهد بود. در همین راستا آیا بهتر نبود بخشی از حمایت‌های بنیاد برکت به توانمندسازی اقتصادی مراکز فرهنگی و نوجوانان اختصاص پیدا می‌کرد؟ چون به نظر می‌رسد تا زمانی که فعالیت فرهنگی، پشتوانه اقتصادی پایداری نداشته باشد، نه نوجوان می‌تواند فعالیتش را ادامه دهد و نه مجموعه فرهنگی. به همین دلیل انتظار می‌رود در چنین طرح‌هایی، آموزش‌هایی درباره درآمدزایی و تأمین مالی پایدار برای فعالیت‌های فرهنگی نیز وجود داشته باشد.

اتفاقا توانمندسازی مجموعه‌ها، مربیان و ظرفیت‌های بومی هر منطقه، یکی از اهداف اصلی قرارگاه تربیت است. در حال حاضر که ما به ۸۰۰ نوجهادی رسیده‌ایم، منظور فقط تعداد نوجوانان نیست. پشت این عدد، مجموعه‌هایی قرار دارند که مربیان آن‌ها آموزش دیده‌اند، توانمند شده‌اند و یاد گرفته‌اند چگونه با نوجوان ارتباط برقرار کنند، چگونه به او میدان بدهند و چگونه از ظرفیت او استفاده کنند. وقتی هیئت امنای یک مسجد یا مجموعه فرهنگی می‌بینند نوجوانان واقعا می‌توانند کار انجام دهند، اعتماد بیشتری به آن‌ها می‌کند و مسئولیت‌های بیشتری به آن‌ها می‌سپارد. این نگاه به تدریج در محله‌ها شکل می‌گیرد که نوجوان هم می‌تواند مسئولیت بپذیرد و بخش مهمی از فعالیت‌های مسجد یا محله را بر عهده بگیرد.

از سوی دیگر، قرارگاه تربیت با حمایت، پیگیری و همراهی مستمر، باعث شده هم مربیان و هم نوجوانان اعتمادبه‌نفس بیشتری پیدا کنند، مهارت‌های مدیریتی و رهبری آن‌ها افزایش یابد و وقتی فعالیت مجموعه‌های دیگر را می‌بینند، برای پیشرفت بیشتر انگیزه پیدا کنند. با چنین نگاهی تقسیم مسئولیت‌هایی هم صورت گرفته که یک بعد آن مسئولیت امور مالی است. یعنی وظیفه شخص این است که بخشی از هزینه‌های مجموعه را تأمین کند. برای مثال، اگر بنیاد برکت برای برنامه غدیر غذا، هدیه یا بخشی از امکانات را تأمین می‌کند، این به معنای تأمین همه هزینه‌ها نیست. هزینه‌هایی مانند بنر، فضاسازی، رسانه، پرچم و بسیاری از موارد دیگر باید توسط خود مجموعه تأمین شود. در این امر باید توجه داشت که این نوجوانان در آغاز مسیر هستند و تازه دارند یاد می‌گیرند چگونه مسئولیت بپذیرند. یکی از مهارت‌هایی که آموزش می‌بینند این است که چگونه با یک خیر یا بانی صحبت کنند و بتوانند برای برنامه‌های فرهنگی حمایت جذب کنند.

دقیقا نکته همین‌جا است. متأسفانه به نظر می‌رسد تنها مدلی که برای تأمین مالی آموزش داده می‌شود، پیدا کردن بانی است؛ در حالی که سؤال این است که آیا به نوجوانان آموزش داده می‌شود فعالیت فرهنگی خود را بر پایه تولید خدمت یا محصول و یک فعالیت اقتصادی پایدار اداره کنند؟ چون در غیر این صورت، هر بار باید منتظر کمک خیران باشند.

نگاه ما این نیست که فقط در حوزه فرهنگی فعالیت کنند. همان‌طور که قبلا هم اشاره کردم، در حوزه تولید محتوا نیز هدف ما این است که مجموعه‌ها به مرحله‌ای برسند که بر اساس نیازهای منطقه خودشان، محتوای تربیتی تولید کنند؛ یعنی برای مدرسه، محله و مخاطبان خودشان، تولیدکننده محتوا باشند. در حوزه اقتصادی نیز همین نگاه وجود دارد. مجموعه باید بتواند در آینده خودش هزینه‌هایش را تأمین کند، اما رسیدن به این مرحله نیازمند زمان است و نمی‌توان همه این مهارت‌ها را یک‌باره به نوجوان منتقل کرد.

به رسانه هم اشاره کردید. با توجه به اینکه این تعداد نوجوان، بخش کوچکی از جامعه نوجوانان استان را تشکیل می‌دهند، آیا برای اثرگذاری بر سایر نوجوانان به واسطه فعالیت‌های رسانه‌ای نیز برنامه‌ای دارید؟

نگاه ما هم اینطور است که اگر قرار باشد این نوجوانان الگو شوند و دیگر نوجوانان نیز از آن‌ها یاد بگیرند، باید در حوزه رسانه نیز فعال باشند. به همین دلیل، کارگاه‌های رسانه‌ای برگزار کردیم و از اساتید این حوزه دعوت کردیم تا نوجوانان آموزش ببینند. از هر مجموعه، یک یا چند نفر که علاقه بیشتری به رسانه داشتند، وارد این دوره‌ها شدند. امروز اگر تولیدات رسانه‌ای این نوجوانان را با یک سال قبل مقایسه کنید، تفاوت کاملا محسوس است. برخی از آن‌ها صفحه آپارات راه‌اندازی کرده‌اند، برخی تولید کلیپ و پادکست انجام می‌دهند و بعضی از آثارشان چند هزار بازدید داشته است. الان هم پوشش رسانه‌ای برنامه‌های مجموعه به عهده این گروه است.

یکی از نقدهایی که همواره مطرح می‌شود این است که بسیاری از مجموعه‌های فرهنگی ابتدای انقلاب، مجموعه‌هایی مردمی، خودجوش و خودبنیاد بودند، اما به مرور زمان بخشی از هویت اولیه خود را از دست دادند. طبیعتا وقتی چنین مجموعه‌ای با یک نهاد دولتی همکاری می‌کند، این نگرانی بیشتر هم می‌شود. شما به‌عنوان دبیر قرارگاه تربیت استان اصفهان، این نقد را چطور می‌بینید؟

به نظر من ابتدا باید فلسفه وجودی بنیاد برکت را بشناسیم. اساس شکل‌گیری بنیاد برکت، کار با گروه‌های مردمی و جهادی است. اگر این ویژگی را از بنیاد برکت بگیریم، عملا هویت آن از بین می‌رود. با این تعریف، مأموریت بنیاد برکت چندین قرارگاه دارد؛ از جمله قرارگاه محرومیت‌زدایی، پیشرفت، بانوان، تبلیغ و تبیین و در یک سال اخیر نیز قرارگاه تربیت به آن اضافه شده است. آن هم در شرایطی که مثلا در ایام جنگ بسیاری از مجموعه‌های رسمی تعطیل شدند؛ از جمله بخش‌های تربیتی سپاه، بسیج دانش‌آموزی و بسیاری از نهادهای مشابه که به دلیل شرایط جنگی اولویتشان فعالیت نظامی بود. کانون‌های فرهنگی مساجد نیز سال‌ها است با محدودیت‌های مالی مواجه‌اند و حتی برخی از آن‌ها از دریافت بودجه‌های حداقلی هم محروم هستند. سازمان تبلیغات اسلامی، دفتر تبلیغات و جبهه فرهنگی نیز هر کدام مأموریت‌های متنوعی دارند و به صورت تخصصی بر تربیت نوجوان متمرکز نیستند. در چنین شرایطی، بنیاد برکت که اساسا مأموریتش حمایت از گروه‌های مردمی است، این ظرفیت را ایجاد کرد تا مجموعه‌های تربیتی مردمی بتوانند فعالیت خود را با قدرت بیشتری ادامه دهند.

با توجه به تجربه‌ای که از فعالیت‌های میدانی پیدا کردید، چه چالش‌هایی را تجربه کرده‌اید؟

هر دستگاه و نهادی، مسائل و مشکلات خاص خودش را دارد، اما بخشی از مشکلات میان همه نهادها مشترک است. یکی از مهم‌ترین این مسائل، سخت بودن پذیرش گروه‌های مردمی از سوی دستگاه‌های رسمی است. برای مثال، اگر یک گروه جهادی بخواهد با نهادی همکاری کند، حتی اگر عملکرد بسیار خوبی هم داشته باشد، چون خارج از ساختار رسمی آن نهاد است، معمولا با مقاومت یا بی‌اعتمادی روبه‌رو می‌شود. مسئله دیگر ضرورت تولید محتوا برای اجرای بهتر طرح است. در حال حاضر از نظر محتوایی بخش عمده کار بر عهده خود استان‌ها است. حمایت‌های محتوایی در سطح ملی محدود است و به همین دلیل، ما بخش زیادی از محتواها را در خود استان اصفهان تولید و متناسب با نیازها و ویرایش می‌کنیم. از آنجا که طبیعتا همه استان‌ها نیز ظرفیت تولید محتوای تخصصی را ندارند، این موضوع می‌تواند بر کیفیت اجرای طرح اثر بگذارد.

در حال حاضر در چند استان این طرح اجرا می‌شود و خروجی کار به چه صورت است؟

اکنون طرح «قرارگاه تربیت» در حدود ۲۰ استان کشور در حال اجرا است. البته از میان این استان‌ها، سه استان به عنوان استان‌های الگو و برتر شناخته شده‌اند؛ استان اصفهان، خراسان رضوی و خراسان شمالی. استان‌های دیگر مانند فارس، یزد و... نیز در حال اجرای این طرح هستند، اما این سه استان به عنوان الگو معرفی شده‌اند و سایر استان‌ها از تجربه‌های عملیاتی آن‌ها استفاده می‌کنند. درباره تعداد مخاطب نیز، همان‌طور که گفتم در اصفهان ۸۰۰ نفر و در کل کشور تعداد نوجهادی‌های کشور حدود ۷ تا ۸ هزار نفر است. البته امسال ما وارد همکاری جدیدی با کمیته امداد امام خمینی(ره) نیز شده‌ایم. کمیته امداد در استان اصفهان حدود ۱۰ هزار دانش‌آموز تحت پوشش دارد که از این میان، حدود ۵ تا ۶ هزار نفر در گروه سنی ۱۳ تا ۱۶ سال قرار می‌گیرند؛ یعنی همان گروه سنی که مخاطب اصلی برنامه‌های ما هستند. قرار شده همان الگویی که در قرارگاه تربیت اجرا کردیم، برای این نوجوانان نیز پیاده شود. به این معنا که نوجوانان مستعد شناسایی شوند، در اردوهای یک‌روزه و برنامه‌های آموزشی شرکت کنند، گروه‌بندی شوند و متناسب با محل زندگی خود، به مربیان همان منطقه متصل شوند تا فعالیت تربیتی آن‌ها به صورت مستمر ادامه پیدا کند. اگر این برنامه طبق پیش‌بینی اجرا شود، تعداد نوجهادی‌های استان اصفهان از حدود ۸۰۰ نفر به نزدیک ۲ هزار نفر خواهد رسید و در سطح کشور نیز امیدواریم این عدد به حدود ۲۰ هزار نوجوان برسد؛ نوجوانانی که در محله‌های خود نقش‌آفرینی فرهنگی و اجتماعی داشته باشند و به تدریج مسیر رشد را به صورت مستقل ادامه دهند.

باید به سمتی حرکت کنیم که بار انقلاب را دوباره بر دوش نوجوانان قرار دهیم، نه اینکه صرفا برای آن‌ها کلاس، اردو یا خدمات برگزار کنیم، اما فرصت نقش‌آفرینی و کنشگری اجتماعی در اختیارشان نگذاریم

دوستان در بنیاد برکت طرحی را به ما پیشنهاد دادند و قرار شد «قرارگاه تربیت» راه‌اندازی شود. بر این اساس قرار شد مدیریت این طرح در استان اصفهان با بنده باشد و در ضمن حفظ استقلال طرح، موسسه رهپویان طریق غدیر هم به بعد محتوایی آن کمک‌کننده باشد

esfahan ziba online .ir

اصفهان زیبا

شماره ۵۴۱۰

۱۴۰۵ / ۰۴ / ۲۲

دوشنبه

ویراستار و دبیر صفحه / مینا ایزدی

کوتاه از اقتصاد

ارتقای فناوری محور بازسازی واحدهای صنعتی است

وزیر صمت گفت: وزارت صمت هم‌زمان با بازسازی واحدهای صنعتی، نوسازی وارتقای فناوری را بر پایه دانش روز و تربیت مدیران متخصص دنبال می‌کند.

به گزارش مهر، سید محمد اتابک، درباره برنامه صنایع بزرگ برای جذب نخبگان، توسعه همکاری باشرکت‌های دانش‌بنیان و حمایت‌های وزارت صمت در این حوزه، گفت: در نشست مشترک کمیسیون آموزش، تحقیقات و فناوری مجلس با وزارت صمت، گزارش مناسبی از اقدامات انجام‌شده در این زمینه ارائه شد.

اجرای برنامه تربیت هزار مدیر

از جمله آن می‌توان به اجرای برنامه تربیت هزار مدیر در سازمان مدیریت صنعتی و سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران (ایدرو) اشاره کرد.

حرکت به سمت تخصصی‌سازی مدیریت

وی افزود: وزارت صمت حرکت به سمت تخصصی‌سازی مدیریت را با جدیت در دستور کار قرار داده است.

عضو کابینه دولت چهاردهم ادامه داد: بخشی از برنامه‌های پیش‌رو نیازمند هماهنگی و تعامل بیشتر با کمیسیون آموزش مجلس و دانشگاه‌هاست.

به طور طبیعی، بهره‌گیری از دانش روز، از ابتدای فعالیت وزارت صمت یکی از اولویت‌های اصلی بوده و اکنون نیز در فرایند بازسازی واحدهای صنعتی، علاوه بر احیا و نوسازی، ارتقای فناوری و استفاده از فنّاوری‌های نوین را نیز مدنظر قرار داده‌ایم.

ایران تنها حلقه اتصال سه محور مهم حمل‌ونقلی اوراسیا است

وزیر راه و شهرسازی با اشاره به موقعیت منحصربه‌فرد جغرافیایی کشورمان، ایران را تنها حلقه اتصال سه محور مهم حمل‌ونقلی اوراسیا معرفی کرد و گفت: ایران از طریق کریدور بین‌المللی شمال - جنوب، مسیر شرق - غرب و کریدور خلیج‌فارس - دریای سیاه، نقش کلیدی در اتصال بازارهای آسیا، اروپا و منطقه ایفا می‌کند.

تاب‌آوری، نوآوری، همکاری و پایداری

به گزارش ایرنا، فرزانه صادق در نشست وزرای حمل‌ونقل کشورهای عضو بریکس که به میزبانی هند در شهر ناگپور برگزار شد، به صورت برخط شرکت و سخنرانی کرد.

وزیر راه و شهرسازی ایران در ابتدای سخنان خود با قدردانی از ریاست هند بر کارگروه حمل‌ونقل بریکس و میزبانی این نشست، بر حمایت جمهوری اسلامی ایران از شعار امسال بریکس، «تاب‌آوری، نوآوری، همکاری و پایداری» تأکید کرد و آن را همسو با ظرفیت‌ها و رویکردهای ایران در حوزه حمل‌ونقل دانست.

بازگشایی مسیر امن واردات خوراک دام از قزاقستان به ایران

رئیس انجمن صنایع خوراک دام، طیور و آبزیان ایران با بیان اینکه توافق راهبردی ایران و قزاقستان برای ایجاد ترمینال لجستیکی در بندر شهید رجایی برای تأمین زنجیره نهاده‌های دامی کشور با حذف واسطه‌های پرهزینه، مستقیم و ارزان است گفت: این توافق عاملی کلیدی برای کاهش قیمت تمام شده محصولات پروتئینی و تضمین امنیت غذایی ایران در سال‌های پیشرو خواهد بود. مجید موافق قدیری در گفت‌وگو با ایرنا درباره ارزیابی توافق اخیر ایران و قزاقستان درباره جریان سفر اخیر هیئتی بلندپایه از فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران قزاقستانی به سرپرستی «امان‌مال گاژواروف» مدیرکل صندوق توسعه تجارت این کشور به تهران و ایجاد فرصت‌های جدید در این زمینه افزود: این توافق فقط یک قرارداد بندری نیست، بلکه اقدامی راهبردی در بازتعریف جایگاه ایران در زنجیره‌های تأمین منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود، با اجرای این توافق شاخه شرقی کریدور بین‌المللی حمل‌ونقل شمال - جنوب (INSTC) تقویت شده و نقش ایران به عنوان پل ارتباطی آسیای مرکزی با آب‌های آزاد جهان بیش از گذشته تثبیت خواهد شد. وی اظهار داشت: ضمن اینکه فراموش نکنیم از سال ۲۰۲۲ ایران و قزاقستان وارد مذاکرات و مطالعات اجرایی شدند و در هفتم تیر ۱۴۰۵ این مذاکرات به توافق اجرایی (BOT) تبدیل شد و قرارداد واگذاری زمین برای سرمایه‌گذاری ۲۵ میلیون دلاری قزاق‌ها جهت احداث و بهره‌برداری از ترمینال لجستیکی این کشور در بندر شهید رجایی به امضا رسید. به گفته وی، این قرارداد ۲۷ ساله است (۲ سال ساخت و ۲۵ سال بهره‌برداری) و با توجه به شرایط آینده و افزایش احتمالی حجم ترانزیت، مفاد قرارداد هر پنج سال یک بار قابل بازنگری است. عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی ایران درباره مهم‌ترین ابعاد اجرایی همکاری دو کشور گفت: بر اساس توافق انجام‌شده قزاقستان ترمینال لجستیکی اختصاصی خود را در بندر شهید رجایی برای مدیریت صادرات غلات، کالاهای کانتینری و محموله‌های ترانزیتی احداث خواهد کرد.

از مشاور املاک متخلف شکایت کنید

بر اساس مصوبه سران قوا، متخلف افزایش اجاره‌بها بیش از میزان مصوب تا ۱۰ برابر میزان گران‌فروشی جریمه می‌شود و امکان پلمب دفتر مشاور املاک وجود دارد

مینا ایزدی
دبیر گروه اقتصاد

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های مستأجران، ترس از «تخلیه فوری» و بی‌سرپناه شدن در پایان قرارداد است. هرچند مصوبات حمایتی و تمدیدهای اجباری وضع شده‌اند، اما در عمل، بسیاری از مستأجران به دلیل ترس از فشارهای مالکان یا عدم آگاهی از حقوق قانونی خود (از جمله فرصت پنج‌ساله برای شکایت)، ناچار به پذیرش قراردادهایی با افزایش قیمت‌های نامتعارف می‌شوند. این نابرابری در قدرت چانه‌زنی، بستر ناامنی و اضطراب مزمنی را در میان مستأجران ایجاد کرده است. در این شرایط، نظارت دقیق بر بازار و حمایت‌های قضایی تنها روزنه‌های امید هستند. آگاهی مستأجران از حقوق قانونی‌شان، به‌ویژه سقف قانونی افزایش اجاره‌بها و عدم صدور حکم تخلیه بدون شرایط خاص، می‌تواند بخشی از این فشار روانی را کاهش دهد. با این حال، تا زمانی که تعادل میان عرضه و تقاضای مسکن ایجاد نشود، فشار ناشی از هزینه‌های بالای سکونت، همچنان یکی از اصلی‌ترین چالش‌های معیشتی جامعه باقی خواهد ماند.

بی‌ضابطگی در بازار اجاره‌بهای اصفهان

جهش اجاره‌بها، معیشت مستأجران را با چالشی بی‌سابقه روبرو کرده است. اگر طی سال‌های گذشته ۲۵ تا ۴۰ درصد درآمد خانواده‌ها صرف اجاره می‌شد؛ امروز این عدد به ۵۰ تا ۷۰ درصد رسیده است. در این میان، دهک‌های پایین، خانوارهای تک‌سرپرست و زوج‌های جوان، آسیب‌پذیرترین گروه‌هایی هستند که زیر بار فشارهای ناشی از آن بیش از سایرین دچار سختی و دشواری هستند. بر اساس آمار دفتر اقتصاد مسکن وزارت راه و شهرسازی، شاخص طول دوره انتظار برای خرید خانه در ایران از ۱۵ سال به ۳۴ سال رسیده است. ۳۴ سال انتظار برای خانه‌دارشدن یعنی اجاره‌نشینی برای خیلی از کارمندها و کارگران استمرار دارد و آمار اجاره‌نشینان روزبه‌روز زیادتر می‌شود.

در حال حاضر، هرج‌ومرج در بازار اجاره‌بهای اصفهان موج می‌زند. پیش‌تر، بنگاه‌های املاک چارچوبی برای رهن و اجاره‌ها در نظر می‌گرفتند، اما اکنون مالکان به‌ندرت حاضر به پذیرش قیمت‌های متعارف هستند و عملاً حرف اول و آخر را می‌زنند؛ گویی اجاره‌بها تنها منبعی برای جبران هزینه‌های ازدست‌رفته آن‌هاست. در این وضعیت، مستأجرانی که با درآمدهای حداقلی کارگری و کارمندی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، ناچارند از هزینه‌های ضروری زندگی، خوراک و پوشاک خود بکاهند تا بتوانند اجاره‌بهای سنگین را پرداخت کنند. در این میان، دفاتر املاکی که به سرعت در جای‌جای شهر گسترش یافته‌اند، برای تضمین کمیسیون و جلوگیری از رکود کسب‌وکار خود، به جای ایفای نقش میانجی، طرف‌دار مالکان شده‌اند و در نهایت، تمام این فشارها متوجه اجاره‌نشینانی می‌شود که همواره در غم اسکان و بی‌ثباتی هستند.

بررسی تخلفات و سقف قانونی افزایش اجاره‌بها

به تازگی کارشناسان وزارت راه و شهرسازی با تأکید بر سقف ۲۵ درصدی افزایش اجاره‌بها اعلام کردند که مستأجرانی که مبلغی بیش از نرخ مصوب پرداخت کرده‌اند، تا ۵ سال امکان پیگیری حقوقی دارند و مشاوران املاک متخلف نیز توسط سازمان تعزیرات جریمه خواهند شد. در همین راستا، علی تحویلیان، مدیر روابط عمومی سازمان تعزیرات حکومتی استان اصفهان، در گفتگو با «اصفهان زیبا» اظهار داشت: مستأجرانی که در سال ۱۴۰۵ با افزایش اجاره‌بهای بیش از سقف ۲۵ درصدی مواجه شده‌اند، می‌توانند علیه موجر یا مشاور املاک متخلف شکایت کنند و این حق تا پنج سال برای آنان محفوظ است.

او افزود: رسیدگی به این تخلفات از دو مسیر صورت می‌گیرد: نخست، شناسایی تخلف توسط بازرسان از طریق قراردادهای ثبت‌شده در بنگاه‌ها یا اسناد مالی؛ و دوم، ثبت شکایت مستقیم توسط مستأجران به عنوان شاکی خصوصی.

تحویلیان خاطرنشان کرد: بر اساس ماده ۷ قانون ساماندهی زمین، مسکن و اجاره‌بها و همچنین مصوبه شورای مسکن استان، سقف افزایش اجاره‌بها برای سال ۱۴۰۵ در کلان‌شهر اصفهان و شش شهرستان آن، ۲۵ درصد نسبت به سال قبل تعیین شده است.

بر اساس ابلاغیه مصوبه سران قوا، قراردادهای اجاره باید برای یک سال تمدید شوند و محاکم قضایی در شرایط عادی حکم تخلیه فوری مستأجران را صادر نمی‌کنند؛ مگر آنکه شرایط خاص و استثنایی وجود داشته باشد

متخلف تا ۱۰ برابر میزان گران‌فروشی جریمه می‌شود

او همچنین اشاره کرد: طبق ماده ۵۷ قانون نظام صنفی، هر اقدامی که موجب افزایش غیرقانونی بهای کالا یا خدمات شود، مصداق «گران‌فروشی» است. در صورت احراز تخلف، سازمان تعزیرات می‌تواند بر اساس مصوبه سران قوا، متخلف را تا ۱۰ برابر میزان گران‌فروشی جریمه کند و حتی امکان پلمب دفاتر املاکی که در این افزایش غیرقانونی نقش داشته‌اند، وجود دارد. همچنین در صورت شکایت خصوصی، مبالغی که مستأجر به صورت غیرقانونی پرداخت کرده، قابل مطالبه خواهد بود.

مدیر روابط عمومی تعزیرات حکومتی استان با اشاره به تمدید قراردادها و جلوگیری از تخلیه فوری در پاسخ به نگرانی مستأجران از احتمال تخلیه، تأکید کرد: افرادی که قراردادشان را با افزایش بیش از ۲۵ درصد امضا کرده‌اند، تا پنج سال فرصت دارند شکایت کنند و نباید به دلیل ترس از تخلیه فوری، از پیگیری حقوق خود باز بمانند.

او تصریح کرد: بر اساس ابلاغیه مصوبه سران قوا، قراردادهای اجاره باید برای یک سال تمدید شوند و محاکم قضایی در شرایط عادی، حکم تخلیه فوری مستأجران را صادر نمی‌کنند، مگر در موارد خاص و استثنایی.

او تأکید کرد: مشاوران املاک موظفند، سقف افزایش ۲۵ درصدی را رعایت کنند و در روندهای سودا‌گرانه بازار اجاره مشارکت نداشته باشند. دستگاه‌های نظارتی نیز مأمور شده‌اند از حقوق مستأجران صیانت و بازار اجاره‌بها را ساماندهی کنند.

تحویلیان گفت: مستأجران برای ثبت شکایت می‌توانند به شعب تعزیرات حکومتی مراجعه کنند یا با سامانه ۱۳۵ تعزیرات تماس بگیرند. همچنین امکان ثبت شکایت از طریق tazirat.ir و مراجعه به ادارات راه و شهرسازی شهرستان‌ها وجود دارد. بنا بر اعلام این مقام، پرونده‌ها پس از تشکیل به شعب تعزیرات ارجاع می‌شوند و رسیدگی به آنها معمولاً کمتر از یک ماه زمان می‌برد.

اقتصاد روز

رشد ۷۱ درصدی اشتغال در معادن ایران طی ۱۲ سال

بررسی آمارهای بخش معدن نشان می‌دهد تعداد شاغلان این بخش از حدود ۸۴ هزار نفر در سال ۱۳۹۰ به حدود ۱۴۴ هزار نفر در سال ۱۴۰۲ رسیده است؛ با این حال، مقایسه روند اشتغال و ارزش افزوده نشان می‌دهد افزایش تولید همواره به همان نسبت به رشد اشتغال منجر نشده است.

به گزارش ایسنا، بررسی آمارهای جدید درباره وضعیت اشتغال بخش معدن که توسط مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر شده، نشان می‌دهد تعداد شاغلان این بخش از حدود ۸۴ هزار نفر در سال ۱۳۹۰ به حدود ۱۴۴ هزار نفر در سال ۱۴۰۲ رسیده است که بیانگر رشد ۷۱ درصدی اشتغال طی این دوره است. این روند اگرچه در برخی سال‌ها با نوسان همراه بوده، اما در مجموع از افزایش تدریجی تعداد شاغلان معادن کشور حکایت دارد.

همچنین مقایسه روند اشتغال با ارزش افزوده بخش معدن نیز نشان می‌دهد هرچند شدت نوسانات آنها یکسان نبوده؛ اما این دو شاخص در بسیاری از سال‌ها همسو حرکت کرده‌اند. به عبارت دیگر، افزایش ارزش افزوده بخش معدن همواره به همان نسبت موجب افزایش تعداد شاغلان نشده و عوامل دیگری همچون بهره‌وری، مقیاس فعالیت معادن و سرمایه‌گذاری در این بخش نیز بر میزان اشتغال اثرگذار بوده‌اند.

آمارها همچنین نشان می‌دهد متوسط پرداختی به نیروی کار بخش معدن طی سال‌های مورد بررسی روندی افزایشی داشته است، اما مقایسه نرخ رشد سالانه پرداخت‌ها با رشد ارزش افزوده بخش معدن بیانگر آن است که این دو شاخص در همه سال‌ها همسو نبوده‌اند و در برخی سال‌ها رشد پرداختی‌ها از رشد ارزش افزوده پیشی گرفته و در برخی دیگر، افزایش ارزش افزوده با رشد محدودتر پرداخت به نیروی کار همراه بوده است.

ازسوی دیگر، نسبت انواع پرداختی به نیروی کار به ارزش افزوده بخش معدن نیز طی سال‌های اخیر روندی کاهشی را تجربه کرده است؛ به طوری که این نسبت از سطوح بالاتر در میانه دهه ۱۳۹۰ (۲۵ درصد در سال ۱۳۹۴) به حدود ۹ درصد در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ رسیده و این موضوع نشان می‌دهد سهم هزینه نیروی کار از ارزش افزوده ایجادشده در بخش معدن طی سال‌های اخیر کاهش یافته است.

بررسی ترکیب اشتغال معادن بر حسب نوع ماده معدنی در سال ۱۴۰۲ نیز نشان می‌دهد معادن استخراج سنگ‌های غیرفلزی با حدود ۳۵ درصد از کل شاغلان، بیشترین سهم اشتغال بخش معدن را به خود اختصاص داده و پس از آن، معادن کانی‌های فلزی (آهن) با ۲۸ درصد و معادن استخراج سنگ‌های فلزی غیرآهنی با ۲۳ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

همچنین معادن زغال‌سنگ حدود ۱۱ درصد از اشتغال بخش معدن را در اختیار دارند و سهم استخراج سایر مواد معدنی، مواد شیمیایی و نمک در مجموع به کمتر از پنج درصد می‌رسد.

۱۱۸ مگاوات بار غیرمجاز از شبکه برق کشور کاهش یافت

مدیرعامل شرکت توانیر اعلام کرد: در ادامه اجرای طرح ملی مهتاب، با برگزاری دو مانور سراسری در روزهای سه‌شنبه و پنجشنبه هفته گذشته، ۱۱۸ مگاوات از بار غیرمجاز شبکه برق کشور کاهش یافت و بیش از ۱۹ میلیون کیلووات‌ساعت انرژی برق صرفه‌جویی شد.

به گزارش ایرنا، محمد اله داد با اشاره به تداوم اجرای طرح ملی «مبارزه با هدررفت و تلفات انرژی برق» (مهتاب) اظهار کرد: هم‌زمانی بخشی از هفته گذشته با تعطیلات رسمی و همچنین درگیر بودن بخشی از ظرفیت‌های عملیاتی شرکت‌های توزیع نیروی برق در تأمین برق و پشتیبانی از مراسم وداع و تشییع شهید والامقام، موجب شد بخشی از توان اجرایی شرکت‌ها به این مأموریت اختصاص یابد و حجم عملیات میدانی نسبت به هفته‌های عادی کاهش پیدا کند.

وی افزود: برای جبران این شرایط و حفظ شتاب اجرای برنامه‌های طرح «مهتاب»، با برنامه‌ریزی شرکت توانیر و همکاری نیروهای پرتلاش شرکت‌های توزیع نیروی برق سراسر کشور، دو مانور سراسری و هماهنگ در روزهای سه‌شنبه و پنجشنبه برگزار شد که نتیجه آن، کاهش ۱۱۸ مگاوات از بار غیرمجاز شبکه برق کشور و صرفه‌جویی ۱۹ میلیون و ۸۲۴ هزار کیلووات‌ساعت انرژی برق بود؛ رقمی که از منظر تولید انرژی، معادل تولید یک هفته نیروگاه خورشیدی با ظرفیت تقریبی ۵۹۰ مگاوات ارزیابی می‌شود.

مدیرعامل توانیر با تأکید بر اینکه مدیریت هوشمند تلفات امروز به یکی از مؤثرترین ابزارهای افزایش بهره‌وری شبکه برق کشور تبدیل شده است، خاطرنشان کرد: استمرار اجرای طرح «مهتاب» علاوه بر کاهش تلفات و مقابله با مصارف غیرمجاز، ظرفیت‌های ارزشمندی را بدون نیاز به احداث نیروگاه جدید در اختیار شبکه سراسری و بخش‌های مولد کشور قرار می‌دهد.

jaaar.com روزنامه را خریداری کنید | به منظور نمایش آگهی‌ها لطفا از طریق سایت جار به نشانی

esfahan ziba online .ir

اصفهان زیبا

شماره ۵۴۱۰

۱۴۰۵ / ۰۴ / ۲۲

دوشنبه

ویراستار و دبیر صفحه / مهری مصور

اخبار روز

قضاوت داوران ایرانی در جام باشگاه‌های فوتبال ساحلی جهان

جام بین‌المللی فوتبال ساحلی باشگاه‌های جهان ۷ تا ۱۲ مرداد به میزبانی روسیه در مسکو برگزار می‌شود.

این رقابت‌ها در ورزشگاه ساحلی RZD Arena و با حضور هشت تیم، لوکوموتیو مسکو، تیم ملی روسیه، تیم مرکز المپیک بلاروس، کورینتیانس برزیل، اسپورتیوو لوکنیو پاراگوئه، آلانیااسپور ترکیه، کلباء امارات و تیم ملی ساحلی ایران برگزار می‌شود.

بر اساس اعلام فدراسیون فوتبال، حسام عرب و محمدحسین مردانی، دو داور فوتبال ساحلی ایران به جام بین‌المللی فوتبال ساحلی باشگاه‌های جهان در سال ۲۰۲۶ دعوت شدند و در این مسابقات قضاوت خواهند کرد./ **ایرنا**

بلاتکلیفی مس رفسنجان در آستانه پلی‌آف!

درحالی‌که طبق روال و مقررات، محل برگزاری مسابقات باید حدود ۱۰ تا ۱۲ روز پیش از انجام بازی به تیم‌ها اعلام شود تا فرصت کافی برای برنامه‌ریزی، رزرو بلیت، اسکان و هماهنگی‌های اجرایی وجود داشته باشد، هنوز هیچ ابلاغیه رسمی درباره دیدار پلی‌آف مس رفسنجان صادر نشده است.

این در شرایطی است که مس رفسنجان چند روزی است تمرینات آماده‌سازی خود را آغاز کرده و اردوی این تیم در هتل المپیک تهران در حال برگزاری است، اما باشگاه همچنان هیچ اطلاع رسمی درباره زمان و محل دقیق مسابقه دریافت نکرده است.

پیگیری‌ها نشان می‌دهد مسئولان باشگاه حتی از محل برگزاری این دیدار نیز اطلاعی ندارند و همچنان در انتظار اعلام رسمی از سوی مسئولان برگزاری مسابقات هستند.

در کنار این بلاتکلیفی، موضع باشگاه مس رفسنجان نیز تغییری نکرده است. مدیران و اعضای کادر فنی این باشگاه همچنان معتقدند برگزاری دیدار پلی‌آف در حق این تیم ناعادلانه بوده و این تصمیم را ظلم به مس رفسنجان می‌دانند؛ موضوعی که طی روزهای اخیر بارها از سوی مسئولان باشگاه مطرح شده است.

باوجود ادامه تمرینات و آماده‌سازی تیم، ابهام درباره جزئیات برگزاری این مسابقه همچنان پابرجاست و مس رفسنجان در انتظار تعیین تکلیف نهایی از سوی مسئولان فوتبال کشور است./ ورزش سه

حسینی از آلومینیوم جدا شد

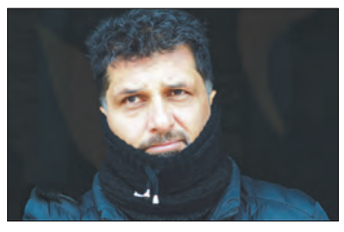

مجتبی حسینی که طی فصل‌های اخیر هدایت تیم فوتبال آلومینیوم اراک را برعهده داشت، با فسخ توافقی قرارداد از این باشگاه جدا شد. به‌این‌ترتیب حضور او روی نیمکت نماینده اراک به پایان رسید.

حسینی از مربیان شناخته شده فوتبال ایران محسوب می‌شود و سابقه هدایت تیم‌هایی مانند ذوب‌آهن اصفهان، پیکان تهران، نفت مسجدسلیمان را در کارنامه خود دارد.

او از خرداد ۱۴۰۲ هدایت آلومینیوم اراک را برعهده گرفت و در این مدت تلاش کرد باتکیه بر بازیکنان جوان و ارائه فوتبالی منظم، تیمی رقابتی در لیگ برتر بسازد.

حسینی و باشگاه آلومینیوم پس از بررسی شرایط ادامه همکاری، به توافق نهایی برای پایان همکاری و فسخ قرارداد دست یافتند. گفته می‌شود محدودیت‌های مالی مسائل مربوط به برنامه‌ریزی فصل آینده در تصمیم نهایی برای جدایی تأثیرگذار بوده است./ **آلومینیوم**

مسی بهترین پاسور تاریخ جام جهانی!

لیونل مسی با ثبت یک پاس گل در دیدار آرژانتین مقابل سوئیس در مرحله یک چهارم نهایی جام جهانی ۲۰۲۶، تعداد پاس گل‌های خود در ادوار این رقابت‌ها را به ۱۰ رساند و به‌تنهایی در صدر برترین پاسورهای تاریخ جام جهانی قرار گرفت.

پس از مسی، پله و فریتس والتر هر کدام با ۹ پاس گل، دیگو مارادونا با ۸ پاس گل و گریژگوش لاتو و دیوید بکام هر کدام با ۷ پاس گل در رده‌های بعدی قرار دارند.

نکته قابل‌توجه اینکه هر ۱۰ پاس گل مسی در جام جهانی برای ۱۰ هم‌تیمی متفاوت به ثبت رسیده است، آماری که از هرنان کرسپو در سال ۲۰۰۶ آغاز شد و با پاس گل او به الکسیس مک‌آلیستر در دیدار برابر سوئیس در جام جهانی ۲۰۲۶ ادامه یافت. مسی همچنین با ثبت ۸ گل و ۲ پاس گل در جام جهانی ۲۰۲۶، برای دومین دوره متوالی تعداد اثرگذاری مستقیم خود روی گل‌های آرژانتین در این رقابت‌ها را دورقمی کرد.

مسی از پله پیشی گرفت؛ تاج بهترین پاسور تاریخ جام جهانی بر سر کاپیتان آرژانتین

رده‌بندی برترین پاسورهای تاریخ جام جهانی:

۱. لیونل مسی (آرژانتین)؛ ۱۰ پاس گل
۲. پله (برزیل)؛ ۹ پاس گل
۳. فریتس والتر (آلمان غربی)؛ ۹ پاس گل
۴. دیگو مارادونا (آرژانتین)؛ ۸ پاس گل
۵. گریژگوش لاتو (لهستان)؛ ۷ پاس گل
۷. دیوید بکام (انگلیس)؛ ۷ پاس گل/ ایسنا

توفیق اجباری

باشگاه سپاهان برای ادامه فعالیت نیازمند اصلاح سیستم مدیریتی است

عکس از محمد کمالی

مهری مصور
دبیرگروه ورزش

تیم فوتبال سپاهان در حالی تمریناتش برای لیگ بیست و ششم را آغاز کرده که پیامد حمله آمریکا و اسرائیل به فولاد مبارکه، شرایط متفاوتی را برای این تیم و دیگر تیم‌های تحت پوشش باشگاه رقم زده است، اما همین شرایط متفاوت امیدواری‌هایی را برای اصلاح سیستم مدیریتی در باشگاه اصفهانی فراهم کرده است.

بر مبنای تصمیمات جدید و باتوجه به تأثیرات ناشی از شرایط اخیر و آسیب‌های وارد شده به زیرساخت‌های مرتبط با کارخانه فولاد مبارکه اصفهان، منابع مالی باشگاه نیز دستخوش تغییر شده و سقف مشخصی برای هزینه‌کرد تعیین شده است. در همین راستا، مدیریت باشگاه تأکید کرده که تمامی فعالیت‌های نقل‌وانتقالاتی باید در چارچوب بودجه مصوب انجام شود.

طبق مصوبه‌ای که به تایید هیئت مدیره رسیده، بودجه باشگاه سپاهان برای فصل آینده رقمی در حدود ۵۰۰ میلیارد تومان خواهد بود و مسئولان باشگاه اعلام کرده‌اند که هیچ برنامه‌ای برای عبور از این سقف مالی وجود ندارد.

برای بیان تفاوت سیستم هزینه‌کرد در باشگاه سپاهان سال ۱۴۰۵ نسبت به سال قبل، باید به بودجه فصل گذشته باشگاه اشاره کرد که در مرداد ۱۴۰۴ مصوب شد بودجه سالانه باشگاه فرهنگی ورزشی فولاد مبارکه سپاهان از ۹۹۰ میلیارد تومان سال گذشته به ۱۵۰۰ میلیارد تومان افزایش یابد که با رشد ۵۱ درصدی مواجه بود.

مهدی حاجی‌وند، کارشناس اقتصاد ورزش سال گذشته در تحلیلی در روزنامه دنیای اقتصاد نوشت: «با مرور صورت‌های مالی باشگاه سپاهان در سال‌های اخیر، می‌توان چند نکته کلیدی را دید: سهم درآمد عملیاتی شامل فروش بلیت، حق پخش، اسپانسرینگ، فروش محصولات و بازیکن، کمتر از ۲۰ درصد کل بودجه بوده است. به‌این‌ترتیب حدود ۸۰ درصد یا بیشتر منابع مالی از محل حمایت مستقیم فولاد مبارکه تامین شده است. هزینه‌ها عمدتاً صرف دستمزد بازیکنان و کادر فنی (حدود ۶۵ درصد بودجه)، مسابقات و سفر (۱۵ درصد)، و بخش‌های فرهنگی- اجتماعی (۵ درصد) می‌شود. این ساختار، در حسابداری ورزشی به معنی ریسک بالای پایداری مالی در صورت تغییر سیاست‌های حامی اصلی است.»

این کارشناس در بخش دیگری از تحلیلش به وابستگی شدید سپاهان به شرکت مادر دولتی- صنعتی هشدار داده بود، هشداری که با حمله دشمن به زیرساخت‌های اقتصادی و تعطیلی نسبی شرکت فولاد مبارکه و به خطرافتادن ادامه حیات باشگاه اصفهانی به واقعیت نزدیک شد.

سقف قرارداد ۳۰ میلیاردی

آن طوری که رسانه‌ها اعلام کرده‌اند سقف قرارداد بازیکنان برای فصل آینده حدود ۳۰ میلیارد تومان تعیین شده و برای باشگاهی که در فصل گذشته بازیکن ۱۰۰ میلیاردی داشت، این عقب‌گرد شوک بزرگی محسوب می‌شود. قابل‌پیش‌بینی بود که اعلام سقف ۳۰ میلیارد تومان منجر به جدایی برخی بازیکنان گران‌قیمت یا مذاکره برای کاهش دستمزد آن‌ها می‌شود، همچنان که جدایی محمد دانشگر نیز در همین راستا رخ داد، این در حالی است که شرایط کلی کشور در دوران آتش‌بس، باشگاه‌ها را با محدودیت‌های مالی مواجه کرده و بعید است به جز چند تیم که می‌توانند در بازار مکاره نقل‌وانتقالات تابستانی، بازیکنان موردنظرشان را با هر بودجه‌ای به خدمت بگیرند، ازاین‌رو تعدادی از بازیکنان ناچار هستند با همان رقم مالی باشگاه کنار بیایند.

بودجه باشگاه سپاهان برای فصل آینده رقمی در حدود ۵۰۰ میلیارد تومان خواهد بود و مسئولان باشگاه اعلام کرده‌اند که هیچ برنامه‌ای برای عبور از این سقف مالی وجود ندارد

برای باشگاه سپاهان که طی دو دهه اخیر دست بازی در بازار نقل‌وانتقالات داشته و یکی از پرهزینه‌ترین باشگاه‌های فوتبال ایران به شمار می‌آید، محدودیت‌های جدید فرصتی است تا نوع دیگری از تیمداری مبتنی بر مدیریت هزینه‌ها را تجربه کند.

باشگاه سپاهان، بزرگ‌ترین آکادمی فوتبال ایران را در اختیار دارد و هر زمانی سرمربی جدیدی هدایت این تیم را برعهده می‌گیرد، رسانه‌های باشگاه تاکید فراوانی بر استفاده سرمربی جدید از بازیکنان پررش یافته در آکادمی داشتند، اما در عمل اتفاق قابل توجهی رخ نمی‌داد، با این وجود این بار شرایط به گونه دیگری متفاوت شده و محرم نویدکیا در جایگاه سرمربی تیم فوتبال سپاهان برای فصل جدید با توفیق اجباری استفاده بهینه از بازیکنان پرورش‌یافته باشگاه مواجه شده است.

تجربه موفق باشگاه‌های پیکان و فولاد خوزستان در استفاده از بازیکنان آکادمی، پیش روی تیم سپاهان برای فصل جدید خواهد بود.

جدا از بحث بازیکنان پایه در بحث نقل‌وانتقالات نیز باشگاه سپاهان باید رویه متفاوتی نسبت به گذشته در قبال کادر مربیان و بازیکنان در نظر بگیرد و تشکیل کمیته نقل‌وانتقالات در باشگاه اصفهانی را می‌توان اقدامی در این زمینه عنوان کرد.

باشگاه سپاهان در سال‌های گذشته در بحث جذب بازیکن روال پر ابهامی را پشت سر گذاشته که این موضوع در دوره مسئولیت برخی مدیران باشگاه پررنگ‌تر بوده، به‌ویژه در بحث بازیکنان خارجی که هدر رفت بیت‌المال صدای اعتراض بسیاری از هواداران و رسانه‌های محلی را بلند کرد، اما برای باشگاهی که سقف بودجه فصل آینده‌اش از بودجه دو فصل قبل‌تر آن کمتر شده، راهکاری به جز اصلاح سبک مدیریت وجود ندارد که این موضوع برای تمام رشته‌های زیرمجموعه و تمام تصمیمات ستادی باشگاه نیز صدق می‌کند.

خارج از گود

عراقی‌زاده: به جز حرف تاج، هیچ خبری از جام باشگاه‌های آسیا نداریم!

قائم‌مقام باشگاه گیتی‌پسند با بیان اینکه باوجود وعده‌های مطرح‌شده، تاکنون هیچ اطلاع‌رسانی رسمی درباره برگزاری جام باشگاه‌های فوتسال آسیا انجام نشده است، گفت نه از سوی AFC نامه‌ای به فدراسیون فوتبال ارسال شده و نه نماینده ایران تاکنون برنامه‌ای برای حضور در این رقابت‌ها دریافت کرده است.

محمدحسین عراقی‌زاده، قائم‌مقام باشگاه گیتی‌پسند درباره آخرین وضعیت حضور در جام باشگاه‌های آسیا به دلیل قهرمانی در لیگ برتر فوتسال گفت: جام باشگاه‌های آسیا وارد هفتمین سالی می‌شود که برگزار نمی‌شود. در دیگر کشورها هم نارضایتی برای عدم برگزاری این رقابت‌ها وجود دارد. به بهانه کرونا این رقابت‌ها لغو شد؛ اما در همان زمان جام باشگاه‌های فوتسال اروپا برگزار می‌شد و تنها در آسیا این رقابت‌ها تعطیل شد. حتی بعد از پایان همه‌گیری این ویروس هم این مسابقات ادامه داده نشد. عراقی‌زاده تاکید کرد: مسابقات جام باشگاه‌های آسیا مانند رقابت‌های داخلی است و میان رتبه تیم‌های اول تا دهم آن فرقی نمی‌کند. چراکه قرار نیست تیم قهرمان در مسابقه‌ای شرکت کند. امسال آقای تاج قول دادند که برگزار می‌شود و مصوب کردند که باشگاه گیتی‌پسند نماینده ایران است؛ اما تا این لحظه به جز صحبت‌های آقای تاج هیچ اقدامی نشده و حداقل ما از این موضوع بی‌خبر هستیم. قائم‌مقام باشگاه گیتی‌پسند تشریح کرد: از طریق AFC هیچ نامه‌نگاری‌ای با فدراسیون فوتبال درباره این موضوع نشده چراکه اگر این اتفاق افتاده بود، فدراسیون به ما اطلاع می‌داد. فکر هم نمی‌کنم که در تقویم AFC این مسابقات را قرار داده باشند. کارخانه ما بخش خصوصی است و می‌خواهد دیده شود. قهرمانی هر سال اتفاق می‌افتد؛ اما در بعد بین‌المللی و فراتر از لیگ برتر چه اتفاقی رخ داده است؟

عراقی‌زاده با بیان اینکه «این موضوع باعث کم انگیزگی می‌شود» اظهار کرد: از آقای تاج خواهش می‌کنم به‌عنوان رئیس کمیته فوتسال و نایب رئیس کنفدراسیون فوتبال آسیا پیگیری کنند. انتظار ما این است که تلاش بیشتری صورت بگیرد. نه تنها برای گیتی‌پسند بلکه برای فوتسال آسیا. این حق آسیاست که باشگاه‌هایشان در تورنمنت رسمی آسیایی شرکت کنند. به هرحال تا این لحظه خبری نشده و اگر هم شده تاکنون کسی به ما چیزی اعلام نکرده است. عضو هیئت‌مدیره باشگاه گیتی‌پسند درباره شرایط تیم در پیش فصل مسابقات عنوان کرد: باتوجه به مشکلاتی که امسال در وضعیت بودجه باتوجه شرایط خاص کشور داشتیم، شرایطی که همه بخش‌ها با آن درگیر هستند، موفق شدیم بودجه محدودی نسبت به سال گذشته از هیئت‌مدیره بگیریم. تمرینات از ۱۰ روز گذشته شروع شده و ان‌شاءالله با آغاز لیگ با هدفی بزرگ وارد مسابقات می‌شویم./ **ایرنا**

اخبار جام جهانی

قانونی که سر سوئیس را برای آرژانتین بُرید

«ما را به خاطر یک قانون غیرقابل‌قبول تنبیه کردند»، این گلایه شدید مورات یاکین، سرمربی سوئیس بعد از حذف شدن مقابل آرژانتین با ضربه سنگین قانون جدید فیفا به آنهاست. در دیدار یک چهارم نهایی جام جهانی ۲۰۲۶ بین آرژانتین و سوئیس، مهم‌ترین صحنه مسابقه در دقیقه ۷۲ رقم خورد؛ جایی که بریل امبولو مهاجم سوئیس با دریافت کارت زرد دوم از زمین اخراج شد. این تصمیم بر پایه یکی از قوانین جدید فیفا درباره استفاده از VAR اتخاذ شد و تأثیر زیادی بر روند بازی گذاشت.

در ابتدا داور، ژوائو پینیرو برخورد میان لئاندرو پاردس و بریل امبولو را خطا تشخیص داد و به پاردس کارت زرد نشان داد. اتاق VAR صحنه را بررسی کرد. بازبینی تصاویر نشان داد که پاردس خطایی مرتکب نشده و امبولو با شبیه‌سازی (Simulation) خود را به زمین انداخته است. بر اساس قانون جدید، داور اجازه داشت در چنین شرایطی کارت زرد اشتباه را از بازیکن آرژانتین بردارد و به بازیکن خاطی منتقل کند.

ازآنجاکه امبولو پیش‌تر یک کارت زرد گرفته بود، این اخطار دوم به معنای اخراج او از بازی بود.

قانون جدید فیفا چیست؟

در جام جهانی ۲۰۲۶، فیفا دامنه استفاده از VAR را در موارد «اشتباه در شناسایی بازیکن» (MistakenIdentity) گسترش داد. اگر داور به دلیل خطای برداشت، بازیکن اشتباهی را جریمه کند و بازبینی ویدئویی نشان دهد که بازیکن دیگری مرتکب تخلف شده است، داور می‌تواند: کارت بازیکن بی‌گناه را لغو کند. همان کارت را به بازیکن خاطی بدهد.

در این مسابقه، تخلف تشخیص داده‌شده شبیه‌سازی امبولو بود و همین موضوع باعث انتقال کارت زرد به او شد.

آیا این تصمیم باعث پیروزی آرژانتین شد؟

از نظر فنی، اخراج امبولو نقطه عطف مسابقه بود. سوئیس که تا آن لحظه با نتیجه ۱-۱ بازی را به‌تساوی کشانده بود، بیش از ۴۰ دقیقه (شامل وقت‌های اضافه) را ۱۰ نفره ادامه داد. آرژانتین با استفاده از برتری عددی، فشار بیشتری وارد کرد و در وقت اضافه توسط خولیان آلوارس و لائوتارو مارتینس به گل رسید و ۳ بر ۱ پیروز شد. اسکالونی بعد از این بازی اعتراف کرد و گفت: خوش‌شانس بودیم که بازیکن سوئیس اخراج شد.

چرا این تصمیم جنجالی شد؟

کادر فنی و بازیکنان سوئیس معتقد بودند این قانون در حساس‌ترین مقطع مسابقه به ضرر آنها اجرا شد و از شدت تصمیم انتقاد کردند.

اجرای قانون جدید فیفا به نفع آرژانتین شد و سوئیس را تبدیل به قربانی این قانون جدید و چالش‌برانگیز کرد./ **فارس**

سرمربی سنگال اخراج شد!

پاپه تیاو دیگر سرمربی سنگال نیست. این بازیکن سابق از دسامبر ۲۰۲۴ در این سمت حضور داشت و پس از مشارکت این تیم در این جام جهانی، به همراه تمام کادر فنی‌اش برکنار شد. فدراسیون فوتبال سنگال شنبه‌شب این تصمیم را از طریق شبکه‌های اجتماعی اعلام کرد.

در بیانیه منتشر شده در این باره آمده است: «فدراسیون فوتبال سنگال به اطلاع عموم می‌رساند که در پایان جلسه کمیته اجرایی که شنبه ۱۱ ژوئیه ۲۰۲۶ برگزار شد، تصمیم گرفته شد که روند برکناری سرمربی تیم ملی، آقای پاپه تیاو و همچنین تمام کادر فنی آغاز شود. این تصمیم پس از حذف تیم ملی سنگال در دور دوم جام جهانی ۲۰۲۶ فیفا گرفته شد. پس از ارزیابی دقیق نتایج ورزشی و چشم‌اندازهای تیم ملی، کمیته اجرایی آغاز این روند را در راستای بهترین منافع فوتبال سنگال ضروری دانست.» این بیانیه همچنین اطلاع می‌دهد که رئیس فدراسیون فوتبال سنگال، عبدالله فال، «تمام اقدامات لازم باهدف سازماندهی مجدد واقعی همه تیم‌های ملی» را انجام خواهد داد. فال دوشنبه بعدازظهر برای توضیح این تصمیم، کنفرانس خبری برگزار خواهد کرد.

تیم ملی سنگال توسط بلژیک از جام جهانی حذف شد. در دیداری که در سیاتل با دو گل از حریف پیش بودند، در وقت‌های تلف شده نیمه دوم گل تساوی را دریافت کردند و سپس اجازه دادند اروپایی‌ها در وقت‌های اضافه ۲-۳ پیروز شوند. یکی از نامزدهای اصلی برای پذیرش هدایت این تیم، پاتریک ویرا است. این بازیکن سابق و اسطوره فرانسوی در داکار متولد شده است. این مربی ۵۰ ساله از زمان ترک جنوا در سال ۲۰۲۵، بدون تیم بوده است./ **ورزش سه**

تشییع روی شانه‌های تصویر

پنج روایت از پنج عکس در روزهای تشییع آقای شهید

سیده نرگس نظام‌الدین
دبیر گروه هنر و ادبیات

هفته گذشته ایران در تکاپو و غوغا بود. ملت ایران بعد از چهار ماه آقای شهیدش را به همراه خانواده‌اش روی شانه‌هایش تشییع کرد و در جوار نورانی و آرام امام رئوف به خاک سپرد. از این یک هفته پرهیاهو و سرشار از سوگ و ماتم و شعله‌های آتش خون‌خواهی، روایت‌های متنی و تصویری بسیاری ثبت شد؛ روایت‌هایی که کوشید لحظه لحظه دقایق این روزهای سنگین و سهمگین را به حافظه جمعی ملت ایران بسپارد تا یادمان بماند چه عزیزی را از دست دادیم و سوگش برای همیشه برایمان داغ می‌ماند. مجمع عکاسان نسل انقلاب اسلامی (معنا) در این یک هفته خودش را به لحظات تشییع در کشور رساندند و ثانیه‌های این روزهای عظیم را در قاب دوربینشان ثبت کردند. در این شماره، هم‌زمان با تماشای پنج عکس از روزهای تشییع، پنج روایت از عکاسان را می‌خوانیم.

سوگ شخصی

نگار برندگی

ساعت ۶:۳۰ صبح، میدان انقلاب مملو از جمعیتی بود که در انتظار عبور پیکر شهیدشان ایستاده بودند. برخلاف بسیاری از عکاسان که نقطه کانونی مراسم را انتخاب می‌کنند، ترجیح دادم از مرکز جمعیت فاصله بگیرم و به حاشیه‌ها بروم؛ جایی که احساسات، بی‌واسطه‌تر خود را نشان می‌داد. کوچه به کوچه قدم زدم. دوربینم آماده بود؛ اما بیش از آنکه دنبال لحظه‌ای خاص باشم، به دنبال حال آدم‌ها می‌گشتم. صدای مداحی در کوچه‌ها می‌پیچید و در حاشیه مسیر، هر چند قدم، گروهی را می‌دیدم که بی‌صدا اشک می‌ریختند. در بن‌بست دوم سمت چپ ایستادم. سه دقیقه... پنج دقیقه... ده دقیقه... مردانی می‌آمدند، کنار دیوار می‌نشستند، اشک می‌ریختند و دوباره به مسیر تشییع بازمی‌گشتند. این رفت‌وآمد تکرار می‌شد؛ اما اندوهی که بر چهره‌ها نقش بسته بود، هر بار تازه به نظر می‌رسید. آنچه برای من اهمیت داشت، ثبت همین سکوت بود؛ سکوتی که میان ازدحام گم شده بود. این قاب، بیش از آنکه تصویری از یک مراسم باشد، روایتی از انسان‌هایی است که هرکدام، در گوشه‌ای از شهر، سوگ خود را به شیوه‌ای شخصی زندگی می‌کردند.

آغوش باز قم برای آقای خوبی‌ها

محمدجواد بهارلو

روز سه‌شنبه ساعت سه و نیم صبح بود. مردم در جاده حرم تا حرم قدم می‌زدند تا خودشان را به مسجد جمکران برسانند. با اینکه مسجد جمکران پر شده بود و درهای ورودی بسته شده بودند، باز هم مردم شتاب‌زده به سمت مسجد جمکران راهی می‌شدند.

هنوز سه ساعت تا شروع مراسم و اقامه نماز مانده بود. قومیت‌های مختلف با لباس‌ها و گویش‌های متنوع حضور پیدا کرده بودند و به سبک خودشان عزاداری می‌کردند. مردم هم میانه راه، روی جدول‌های پیاده‌رو می‌نشستند و بعد از استراحت، دوباره شروع به حرکت می‌کردند. در مسیر، خانمی دیدم که با کالسکه فرزند شیرخواره‌اش و پسر بزرگش که کمک مادرش کالسکه را حرکت می‌داد، روی جدول نشسته بودند و استراحت می‌کردند.

روی دیوار خیابان‌ها شعارهای گوناگونی نوشته بودند؛ ولی یک نوشته بیشتر از همه من را جذب کرد و آنجا فهمیدم مردم قم آغوششان را برای آقای شهید باز کرده‌اند: «آقای همه خوبی‌ها، به شهر قم خوش آمدید.»

چشمانی با طعم حقیقی انتظار

محمد قاسمی

دو روز مانده بود به تشییع رهبر شهید. از جایی که مستقر بودیم، مسیری طولانی تا مصلی داشتم و مجبور به تردد با مترو بودم. بعد از چند بار پرس‌وجو و عوض کردن خطوط مترو برای رسیدن به مصلای تهران، این دخترخانم توجهم را به خود جلب کرد. دخترک خیلی بی‌تاب بود و این بی‌تابی را بعد از سال‌ها عکاسی می‌توانستم در چشمانش ببینم؛ تا جایی‌که بی‌تابی او من را به هم ریخت و اشکم جاری شد. دخترک مدام به مسیر مترو نگاه می‌کرد و در تکاپو بود. مطمئنم پیش خود می‌گفت پس چرا این قطار لعنتی نمی‌آید. به نوع انتظار کشیدنش خیلی غبطه خوردم، کادر را بستم و آن لحظه را ثبت کردم و همان نقطه نشستم. این افکار مدام در ذهنم پرسه می‌زد که در طول این همه سال، اگر به اندازه شوق این دختربچه انتظار ظهور صاحب‌الزمان(عج) را می‌کشیدی چه می‌شد. افکار این چنینی دیوانه‌وار در ذهنم رد می‌شد و به‌شدت به هم ریخته بودم. همان لحظه احساس پیری کردم، فقط با یک نگاه که طعم حقیقی انتظار را می‌داد و با انتظارهایی که ما در زندگی‌های روزمره‌مان می‌کشیم، بسیار متفاوت بود.

دخترکان میناب روی قلب یک مرد

فرزانه نجفی

احساسی که آن روز در دل جمعیت موج می‌زد، اندوهی عمیق از یک فقدان بود؛ از دست دادن پدری که سایه‌اش بر سر امت بود. در کنار این غم سنگین، خشم زیادی بود؛ خشمی که در دل جمعیت می‌جوشید و با چشم‌هایی که گریه و غیرت در آن‌ها یکی شده بود، جریان داشت. آن روز، خیابان‌های تهران فقط محل عبور نبود؛ رگ‌هایی شده بودند که جریان حیات یک ملت را به نمایش می‌گذاشتند. جمعیت با پرچم‌های قرمز، مثل خون در این رگ‌ها جاری بودند و نبض یک باور مشترک را در شهر می‌تپاندند. حضور میلیونی مردم از شهرهای مختلف ایران و کشورهای دیگر، نشان می‌داد که این عشق به رهبر، مرز نمی‌شناسد. در میان جمعیت، مردی بود که کلاه و لباسش را با گل و برگ آراسته بود و بر سینه‌اش، ردیف ردیف عکس شهدای میناب را آویخته بود؛ شهدایی که شاید هیچ‌کدام از شهر خودش نبودند، اما انگار همه را می‌شناخت. دست به شقیقه، سلامی رسمی و ایستاده تحویل می‌داد؛ انگار به جای یک نفر، ده‌ها نفر را همراه خودش به بدرقه آورده بود. نگاهش که به دوربین افتاد، فهمیدم چیزی که آن روز خیابان‌های تهران را پر کرده بود، فقط یک جمعیت میلیونی نبود؛ میلیون‌ها روایت کوچک بود که هرکدام یک اسم داشت، یک شهر، یک خانواده چشم‌به‌راه. این مرد، تنها یک نفر از آن جمعیت بود؛ اما در سینه‌اش ده‌ها شهید جا داده بود؛ شهدایی که لازم نبود خون مشترکی داشته باشند تا از آن او باشند. تشییع بزرگ آن روز، فقط بدرقه یک پیکر نبود؛ لحظه‌ای بود که یک ملت، خاطره و باورهایش را مرور می‌کرد و بر عهد خود ایستاد؛ عهدی که در دل جمعیت جاری بود: زیر بار ظلم نرویم تا پای جان. بعضی بدرقه‌ها پایان یک راه نیستند؛ آغاز مسئولیتی هستند که تا زنده‌ای، بر دوشَت باقی می‌ماند.

شعله‌های خون‌خواه

محدثه شیخی

ترکیب‌بندی این عکس با قرار گرفتن سه شخصیت در سطوح مختلف، روایتی چندبعدی از سوگ و ماتم را ارائه می‌دهد. دیوار نماد تکیه‌گاهی است که افراد به آن پناه برده‌اند و نشان‌دهنده سنگینی بار واقعیت است. مردی که تصویر رهبر شهید در کنارش است، ظاهراً تنهاست؛ اما گویا آن عکس، تنها همراه و مایه دل‌گرمی‌اش است و قرار دادن دستش روی سرش نشان‌دهنده استیصال است، نه خستگی. خانمی که چادر روی سرش کشیده، نمادی از خلوت سوگ و فروپاشی درونی در عین حفظ حیاست. گویی چادر بر سرش کشیده تا رهگذران اشک‌هایش را نبینند. گویی بین تاریکی چادرش به دنبال نوری می‌گردد که با رفتن رهبر آن را از دست داده. شخصیت بعدی با جمع کردن زانوها و گذاشتن انگشتان روی دهان، نشان‌دهنده حالت تأمل در عین حیرت است. او با پرچم یا لثارات الخامنه‌ای، پیوند میان سوگ ملی و ریشه‌های مذهبی را به تصویر می‌کشد. در کل، فضای عکس متمرکز بر غم درونی شخصیت‌هاست که برخلاف فریادهای بلند مردم حاضر در تشییع، با سکوت و انزوا روایت می‌شود. روز تشییع، صحنه چیزی فراتر از یک تشییع بود. تجسم روح یک ملت بود. نکته جالب این بود که مردم از همه اقشار و با همه وجودشان آمده بودند و همگی احساسی داشتند بین غم از دست دادن و شعله خون‌خواهی. بین این همه سوگ و ماتم، یک ستون قد علم کرده بود با این مضمون که ما فقط به خاطر سوگواری اینجا نیستیم و برای انتقام و بیعت با رهبر جدید آمده‌ایم. گرچه رهبر عوض شده، مسیر استقامت از همیشه جاری‌تر است.

esfahan ziba online .ir

اصفهان زیبا
شماره ۵۴۱۰
۱۴۰۵/۰۴/۲۲
دوشنبه

شرکت پیام اصفهان زیبا

صاحب امتیاز شرکت فرهنگی هنری مطبوعاتی پیام اصفهان زیبا
مدیرمسئول دکتر علی قاسم‌زاده
مدیرعامل احسان تیموری سیچانی
سردبیر محمدحسین اعتزازیان

معاون بازرگانی سید محمدوحید حکیم‌فعال
معاون اداری و مالی جواد علینقیان

هیئت تحریریه فرشاد توسلی، فاطمه رجب‌زاده و مریم نقیان (فرهنگ و اندیشه) محسن حیدری فرد، احمد مهره‌کش زهره‌سادات کاظمی، زهره قندهاری و سارا حفیظی (هم‌محله) داوود جعفری، پگاه ظاهری، مینا ایزدی و منیره‌سادات کاویانی (اقتصاد و سیاست) محمدحسین اعتزازیان و لیلا مقیمی (روایت شهر و جامعه) سیده نرگس نظام‌الدین (هنر و ادبیات)، زینب تاج‌الدین (پایداری)، جواد جلوانی (تاریخ شفاهی) مهری مصور و مسعود افشاری (ورزش)

گرافیک علیرضا مظاهری
علی نصر آزادانی و سولماز رجبی
سرویراستار عذرا دیانی
عکس حمیدرضا نیکومرام

چندرسانه‌ای سیدمیلاد میردامادی
حسین کشکولیان و امید هاشم‌زاده

مجازی و شبکه های اجتماعی مهدی سروری
زهرا توکلی، مائده رئوفی
لیلا کهلانی، فاطمه توکلی

فناوری اطلاعات محمد کاظم کمالی

اصفهان زیبا
صدای مطالبات مردم اصفهان

esfahanzibaonline.ir
eitaa.com/esfzibanews

اصفهان، خیابان فردوسی
بن‌بست امام (شماره ۱۵)

تلفن ۳۲۲۲۵۲۵۱-۰۳۱
حرف مردم ۵۰۰۰۴۰۰۰۲۵۲۴
امور آگهی‌ها ۳۲۲۲۵۲۵۸-۰۳۱

چاپ موسسه جام جم برتربرنا

برترین روزنامه استانی در ایران
دارای امتیاز ۹۲٫۲ در رده‌بندی مطبوعات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

همه‌محله
ویژه‌نامه محلات شهر اصفهان

روایت اصفهان
ویژه‌نامه شهر زندگی و مساله‌های آن

بیسیم‌چی
ویژه‌نامه پایداری اصفهان

خوب‌ها
ویژه‌نامه تاریخ انقلاب اسلامی

گردشگر+مثبت
ویژه‌نامه میراث و گردشگری اصفهان

تیمچه
رسانه اقتصادی اصفهان

ESFAHAN ZIBA-Online
en.esfahanzibaonline.ir

ویراستار و دبیر صفحه
سیده نرگس نظام‌الدین